



# اطلاعات روز

ETILAATROZ.COM

شنبه | ۹ حوت ۱۳۹۹ | ۲۷ فبروری ۲۰۲۱ | سال دهم | شماره ۲۱۰۱ | ۸ صفحه

قتل جمال خاشقچی: بایدن در گفت و گو با ملک سلمان موضوع حقوق بشر را پیش کشید



## سه عضو خانواده بسم الله عادل ایماق، مدیر مسئول پیشین رادیو «صدای غور» تیرباران شدند

اطلاعات روز - هرات: شماری از خبرنگاران محلی در ولایت غور تأیید می کنند که سه تن از بستگان بسم الله عادل ایماق، مدیر مسئول...

صفحه ۲

مشاور امنیت ملی:

## برای جلوگیری از خشونت طالبان از تحریم های شورای امنیت سازمان ملل استفاده شود

صفحه ۲

## مدیریت توحش در افغانستان آموزه های القاعده و عملکردهای طالبان

کتاب مدیریت توحش (اداره التوحش) نوشته ای بی بکر ناجی، یکی از تئوریسین های القاعده...

صفحه ۷

## جنگ جوانان اوغور در بدخشان زیر چتر طالبان

خشن، تاندندان مسلح و در تلاش سرپازگیری از ساکنان محل

صفحه ۸

یادداشت روز

## «بی آبی» کابل نتیجهی فاجعه مدیریت است

هفته گذشته دفتر معاون اول رییس جمهور از کاهش سرسام آور آب های زیرزمینی در شهر کابل هشدار داد. به نظر می رسد حکومت تازه متوجه عمق فزاینده و دریافته است که بحران کم آبی و حفر چاه های عمیق آیندهی خطرناکی را برای پایتخت رقم زده است. دفتر معاون اول در اعلامیه ای گفته که استفاده بی رویه و غیر تخصصی از آب های زیرزمینی کابل وضعیت زیست محیطی را در این شهر با آیندهی تیره و تار مواجه کرده است. به نظر می رسد مشکل آب های زیر کابل دوبعدی است: از طرفی سفره آبی کابل به شدت پایین رفته است و از طرف دیگر آب های زیرزمینی کابل آلوده شده است. برآورد می شود در برخی نقاط شهر سطح آب از ۲۰ تا ۸۰ متر پایین تر رفته. براساس گزارش برخی رسانه ها حتا نیمی از آب های زیر زمینی کابل غیر بهداشتی و غیر قابل استفاده است.

برای یک پایتخت تصویری بدتر از این ممکن نیست که با بحران «کم آبی» و آب های غیر بهداشتی روبه رو باشد. زنگ هشدار بحران کم آبی کابل سال هاست که به صدا درآمده، اما به طور مطلق اقدامات...

۲



## بنایهی مشترک اتحادیه اروپا و دولت افغانستان: حفاظت از غیر نظامیان و کارمندان خدمات بشر دوستانه نباید منتظر نتایج صلح باشد

۲

## یک میلیارد دالر از بدهی کوریای جنوبی از کانال سوئیس به ایران می رسد

اطلاعات روز: همزمان با انتشار خبر «موافقت کلی» امریکا با آزادسازی دارایی های بلوکه شده ایران در کوریای جنوبی، رییس اتاق بازرگانی ایران و...

۲

## «حکومت قتل اعضای خانوادهی بسم الله عادل ایماق را بررسی کند»



۲



## شاهراه سالنگ به روی موترهای باربری مسدود شد

۲

تفسیر

## سینمای صلح؛ روایت خلق انسان اندیشمند (۱) گفت و گو با محسن حسینی، فیلم ساز و منتقد سینما

برنامه سازی تلویزیونی، نمایشگاه های گروهی و انفرادی، ساخت گرافیک های تلویزیونی و فیلم های تبلیغاتی از دیگر فعالیت های اوست. او اکنون در ناروی زندگی می کند.

پرسش: نمی دانم گونه ای از سینما، تحت عنوان سینمای صلح وجود دارد یا نه؟ منظورم از گونه این است که...

تحلیل



## افغانستان نباید به عراق سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۶ تبدیل شود

چند روز پیش مولوی مجیب الرحمان انصاری، خطیب نماز جمعهی هرات، در سخنرانی خود گفته بود که حمایت از نظام کنونی گناه کبیره است. او علمایی را که از نظام حمایت می کنند علمای یهود و نصارا دانست. پس از این سخنان بود که حمدالله محب...

۳

ترجمه

## آنچه باید درباره واکسن های کرونا بدانیم

از سه ماه به این سو در کلینیکم بیماران را در برابر کووید ۱۹ واکسینه می کنم. برخی از آن ها در مورد این واکسن ها پرسش هایی دارند که البته من با کمال خرسندی پاسخ می دهم. اکثریت آن ها از این که واکسن در اختیارشان قرار می گیرد احساس خوشبختی می کنند.

اما حالا به نظر می رسد دیدگاه بدبینانه ای در مورد واکسن های کرونا در حال ظهور است. هنگامی که ما با بیماران برای تعیین وقت واکسن شان تماس می گیریم، برخی از آن ها می گویند که نمی خواهند واکسینه شوند زیرا کسانی را می شناسند که پس از دریافت واکسن دچار عوارض جانبی آن شده اند. در مطالعه ای در استرالیا که در آن پژوهشگران نگرانی های مربوط به واکسن کووید ۱۹ را بررسی کردند، ۱۰ درصد از افراد مورد مطالعه «عوارض جانبی بالقوه» واکسن را دلیل خودداری شان از دریافت واکسن عنوان کردند...

خانه موفقیت

The TOEFL HOUSE

Unlock the World with TOEFL

toeflhouse@gmail.com

TOEFL House

# TOEFL Preparation

شعبه (کوه سنگی): کوه سنگی، گولابی دوخلافه، ایستگاه سابقه.

شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه، کوچه اول باغ خان.

شعبه (سليم گلرون): سرک چهل متره، چهارراهی سليم گلرون.

0747 994 244

0745 651 844

0747 918 200

شعبه (کوه سنگی): کوه سنگی، گولابی دوخلافه، ایستگاه سابقه.

شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه، کوچه اول باغ خان.

شعبه (سليم گلرون): سرک چهل متره، چهارراهی سليم گلرون.

ادامه‌یادداشت‌روز

پیش‌گیرانه از طرف نهادهای مسئول گرفته نشده است. در گذشته و امروز حکومت خطری که ممکن است در آینده‌ی نه‌چندان دور کابل را فرو ببلعد، به‌عنوان تهدیدی جدی و بحران‌آفرین جدی نگرفته و حتا و برای مهار آن بودجه‌های قابل توجه و کافی تعریف نکرده است. بنابراین «بی‌آبی» کابل نتیجه‌ی فاجعه‌مدیریتی و ضعف کارکرد نهادهای مسئول است؛ زیرا بخش بزرگی از شهر کابل، به آب آشامیدنی پاک و کافی دسترسی ندارد. آب در بیشتر بخش‌های شهر جیره‌بندی است. حفر چاه‌های عمیق هرچند بدترین گزینه، اما یگانه راه حل برای شهروندان است. نهادهای مسئول نه‌تنها برنامه‌ای برای مفضل بزرگ بحران کم‌آبی و زیست‌محیطی ندارد که هر نوع چاه بدون مجوز حفر می‌شود. در کابل هر کس اجازه دارد در حیات‌خانه‌ی خود چاه‌هایی با عمق دلخواه حفر کند.

معاون اول باید درک کند که مسئولیت حکومت تنها اظهار نگرانی نیست. توجه دندان‌گیر و معطوف به نتیجه‌ای برای حل خطر بزرگ کم‌آبی کابل نیاز است. سخن و صدور اعلامیه و ابراز نگرانی، هیچ راه‌حل عملی و نتیجه‌محور برای مقابله با چالش کم‌آبی که می‌رود تا به معنای واقعی کلمه به بحران بی‌آبی در پایتخت تبدیل شود، هیچ دردی را دوا نمی‌کند. پیامد آن تنها فرار از مسئولیت، فرافکنی و انحراف توجه از یک خطر بزرگ است. این بحران به راهکار اجرایی و عملی معطوف به بازده و نتیجه برای جلوگیری یا دست‌کم کاهش سطح خطر این بحران نیاز دارد. حکومت مسئولیت دارد که این چالش‌ها را به‌عنوان تهدیدهای بزرگ و سهمگین شهری و حتا به‌عنوان یک تهدید امنیت ملی به رسمیت شناخته و برای جلوگیری از آن، دست به کار شوند. ریشه‌ی این بحران معلوم است. رشد بی‌رویه‌ی جمعیت، استفاده‌ی بی‌رویه از آب و کاهش بارش برف و باران در غیبت مسئولیت‌پذیری دولتی در مدیریت شهری و ارائه خدمات شهری از دلایل اصلی بحران زیست‌محیطی کابل است. اگر کاهش بارش برف و خشک‌سالی را یک امر طبیعی و فراتر از توان انسانی بدانیم، مدیریت جمعیت شهری، استفاده درست از آب و ارائه سطح قابل‌قبولی از خدمات شهری برای ساکنان یک امر انسانی و قابل‌مدیریت است. از وظایف اساسی حکومت‌ها ارائه درست خدمات شهری و مدیریت شهر است. در افغانستان اما به‌رغم وعده‌های همه‌ساله‌ی نهادهای مسئول، حکومت نتوانسته برای بخش بزرگی از شهر کابل آب آشامیدنی پاک و کافی فراهم کند. روش‌مندساختن رشد جمعیت و گسترش شهری به‌مانند سرچایش، جای تأسف است که صرف میلیاردها دالر برای بازسازی و ساخت تأسیسات زیربنایی، پایتخت افغانستان از عمده‌ترین نیازها و خدمات عمومی بی‌نصیب است. در زمینه‌ی آلودگی آب‌ها نیز وضعیت نگران‌کننده است. به‌عنوان نمونه سال‌هاست که فاضلاب تصفیه‌نشده در رودخانه کابل ریخته می‌شود و سلامتی هزاران خانواده به خطر می‌افتد.

البته فراموش نکنیم که بدون همکاری شهروندان خطر بزرگ بی‌آبی کابل رفع‌شدنی نیست. همه باید وظیفه محیط زیستی خود را در قبال این خطر درک کنیم. استفاده درست و رعایت فرهنگ استفاده از آب مسئولیت شهروندی ما است. اگر خطر بزرگ کم‌آبی و حفر خودسرانه‌ی چاه‌های عمیق در کابل با دلسوزی ساکنان این شهر و مسئولیت‌پذیری نهادهای مسئول حکومتی چاره‌اندیشی نشود، کابل خیلی زود دیگر آغوشی برای زیستن ندارد.

اطلاعات روز: اتحادیه اروپا و دولت افغانستان در یک بیانیه‌ی مشترک گفته‌اند که حفاظت از غیرنظامیان، تأسیسات آموزشی و صحنی و نیز کارمندان خدمات بشردوستانه نباید منتظر نتایج صلح باشد. در این بیانیه که در سومین نشست گروه کاری ویژه اتحادیه اروپا و دولت افغانستان درباره‌ی حقوق بشر، حکومت‌داری خوب و مهاجرت صادر شده، آمده است که تنها توقف فوری خشونت‌ها می‌تواند سبب اعتماد به جدی بودن اراده‌ی طالبان برای توافقات سیاسی و ختم جنگ به حساب آید.

دو طرف در این بیانیه نسبت به ادامه‌ی صعودی خشونت‌ها «به شدت» ابراز نگرانی کرده و افزایش کشتار هدفمند

کارمندان رسانه‌ها، فعالان جامعه مدنی و مجریان قانون که مدافعان ارزش‌های دموکراتیک و جامعه‌ی باز هستند، را محکوم کرده‌اند. طبق این بیانیه، اتحادیه اروپا از دولت افغانستان خواسته است که امنیت این افراد را تأمین و در مورد قتل‌های هدفمندی که تا کنون انجام شده، به‌صورت دقیق تحقیق کرده، عاملان را محاکمه و از اقدامات انجام شده به‌صورت کامل به مردم اطلاع‌رسانی کند.

اتحادیه اروپا همچنان احترام و ترویج حقوق بشردوستانه بین‌المللی را حیاتی خوانده و از طرف‌های درگیر در جنگ افغانستان خواسته است که به‌خاطر حفاظت از غیرنظامیان، این حقوق را رعایت کنند.

## سه عضو خانواده‌ی بسم‌الله عادل ایماق، مدیرمسئول پیشین رادیو «صدای غور» تیرباران شدند

افراد مسلح ناشناس کشته شده است. در این رویداد پنج نفر دیگر زخمی شده‌اند. این خبرنگار محلی افزود که زخمیان برای درمان به شفاخانه مرکزی غور منتقل شده‌اند.

با این حال، منابع امنیتی در غور تا کنون در این باره چیزی نگفته‌اند، اما یک منبع معتبر حکومتی وقوع این رویداد را در صحبت با روزنامه اطلاعات روز تأیید کرده است.

حیات‌الله عادل، برادر بسم‌الله عادل به روزنامه اطلاعات روز گفت که طالبان بر منزل مسکونی‌شان حمله کرده‌اند.

فرد یا گروهی نیز هنوز مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است. طالبان نیز تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

اطلاعات روز - هرات: شماری از خبرنگاران محلی در ولایت غور تأیید می‌کنند که سه تن از بستگان بسم‌الله عادل ایماق، مدیرمسئول پیشین ایستگاه رادیویی «صدای غور» تیرباران شده‌اند.

نجیب‌الله نظری، یکی از خبرنگاران محلی غور به روزنامه اطلاعات روز گفت که دو شب پیش (پنج‌شنبه، ۸ حوت) مردان مسلح ناشناس بر خانه بسم‌الله عادل ایماق در منطقه‌ی «تیغه تیمور» در ۱۵ کیلومتری غرب شهر فیروزکوه، مرکز این ولایت حمله کرده‌اند.

آقای نظری همچنان گفت که در این رویداد در نخست دو نفر از جمله برادر و برادرزاده ۱۳ ساله بسم‌الله عادل ایماق زخمی شده بودند. به گفته‌ی او، زمانی که پسر کاکای ایماق می‌خواست زخمیان را به شفاخانه منتقل کند، در مسیر راه از سوی

## «حکومت قتل اعضای خانواده‌ی بسم‌الله عادل ایماق را بررسی کند»

ولایتی غور عامل ترور بسم‌الله عادل ایماق بوده و هنگامی که نیروهای این ریاست تلاش کردند او را بازداشت کنند، او به‌جای تسلیم شدن، اقدام به تیراندازی کرده و سپس در جریان درگیری با نیروهای امنیتی ملی کشته شده است.

طی سه ماه اخیر ترورهای هدفمند به نگرانی جدی جامعه رسانه‌های کشور مبدل شده است. خبرنگاران از حکومت می‌خواهند که در کنار تأمین امنیت، عاملان ترور و قتل خبرنگاران را بازداشت کند.

به گفته‌ی این کمیته، موج جدید قتل‌های هدفمند خبرنگاران که در ماه نوامبر سال گذشته‌ی میلادی آغاز شد، نه تنها امنیت تمام خبرنگاران را به خطر انداخته، بلکه بر توانایی خبرنگاران و رسانه‌ها در تولید موثر خبرها و دیگر محتوای رسانه‌ای تأثیر منفی گذاشته است.

بسم‌الله عادل ایماق، مدیرمسئول رادیو صدای غور در تاریخ ۱۲ جدی از سوی افراد مسلح ناشناس در غرب شهر فیروزکوه کشته شد. امنیت ملی کشور در ۲۵ جدی اعلام کرد که عزت‌الله بیک، عضو شورای

حکومت افغانستان خواستار تحقیق جدی قتل بسم‌الله عادل ایماق شده بود، اما «نه تنها هنوز در مورد عاملان قضیه‌ی مذکور معلوماتی در دست نیست، بلکه اکنون خانواده‌ی شهید عادل مورد حمله‌ی مسلحانه قرار گرفته است».

این کمیته افزوده است که حکومت محلی و نهادهای امنیتی باید در مورد قتل ایماق و خانواده‌اش اطلاعات ارائه کنند.

همزمان با این، کمیته مصونیت خبرنگاران افغان در مورد امنیت و مصونیت خبرنگاران و اعضای خانواده‌ی‌شان شدیداً ابراز نگرانی کرده است.

کمیته مصونیت خبرنگاران افغان حمله‌ی افراد مسلح ناشناس بر اعضای خانواده‌ی بسم‌الله عادل ایماق، مدیرمسئول پیشین رادیو صدای غور را محکوم کرده و از حکومت محلی و نهادهای امنیتی خواسته است که این قضیه را به‌صورت جدی تحقیق و عاملان آن‌را بازداشت و مجازات کنند.

در اعلامیه‌ی کمیته مصونیت خبرنگاران افغان همچنان از حکومت خواسته شده است که از اعضای خانواده‌ی آقای ایماق حفاظت کند.

از سوی هم، این کمیته گفته است که از

## شاهراه سالنگ به روی موترهای باربری مسدود شد

«چین» و رعایت مقررات ترافیکی از این مسیر رفت‌وآمد کنند. ریاست حفظ و مراقبت از سالنگ‌ها در این اعلامیه به رانندگان اقدامات احتیاطی توصیه کرده و از آنان خواسته است که هنگام عبور از این مسیر، سرعت مجاز، وزن مجاز و ارتفاع مجاز را در نظر بگیرند.

از رانندگان همچنان خواسته شده است که هنگام عبور از این مسیر مقررات ترافیکی و راهنمایی موظفین را رعایت و از سبقت‌جویی و توقف در داخل تونل‌ها و گالری‌ها جلوگیری کنند. شاهراه سالنگ از بزرگ‌ترین شاهراه‌های افغانستان است که کابل را با دست‌کم ۹ ولایت در شمال این کشور وصل می‌کند. شاهراه سالنگ همه ساله در فصل زمستان هر از گاهی به دلیل بارش برف سنگین و وقوع برف‌کوچ‌ها در سالنگ‌های شمالی و جنوبی مسدود می‌شود.

### مشاور امنیت ملی:

## برای جلوگیری از خشونت طالبان از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل استفاده شود

تحریم‌ها براساس توافق‌نامه‌ی امریکا - طالبان شده‌اند.

مشاور امنیت ملی درحالی بر استفاده از تحریم‌های سازمان ملل بر طالبان برای جلوگیری از خشونت تأکید کرده است که خشونت‌ها در سراسر کشور افزایش یافته و هر روز از نظامیان و غیرنظامیان قربانی می‌گیرد.

همزمان با افزایش خشونت‌ها، مذاکرات صلح میان هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان در دوحه نیز به بسیار کندی پیش می‌رود.

جنبش‌های صلح‌آمیز در افغانستان شده و برای جلوگیری از خشونت طالبان از آن استفاده شود.

رییس‌جمهور اشرف غنی نیز در اواخر ماه عقرب سال جاری در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد که درباره‌ی روند صلح افغانستان برگزار شد، گفته بود که اجرای تحریم‌ها به‌حیث یک ابزار برای موفقیت مذاکرات با طالبان مهم است.

رهبران گروه طالبان از سال‌ها به این طرف زیر تحریم‌ها و تعزیرات سازمان ملل متحد و شماری از اعضای این نهاد قرار دارند. این گروه بارها خواستار رفع

هند بر عهده دارد و ناروی، ایرلند، کنیا و مکزیک نیز عضو این کمیته هستند.

محب همچنان در این کمیته گفته است که طالبان تعهدشکنی می‌کنند و علی‌رغم آزادی از زندان به جنگ بر می‌گردند. او تأکید کرده است که در چنین وضعیت، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بسیار مهم است.

از سوی هم، مشاور امنیت ملی کشور گفته است که افغانستان با متحدها کلیدی‌اش و نیز اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد کار می‌کند تا مطمئن شود که تحریم‌ها باعث تقویت تلاش‌های صلح و



دکتر امیرخان، الجزیره مترجم: جلیل پژواک

## آنچه باید درباره واکسن های کرونا بدانیم



در روند واکسیناسیون پیشگام هستیم. بسیاری از کشورها هنوز در تأمین واکسن موردنیازشان مشکل دارند و بسیاری از کشورهای درحال توسعه هنوز واکسیناسیون را شروع نکرده‌اند و بری واکسن به سازمان‌هایی مانند سازمان جهانی بهداشت متکی هستند.

من به این باورم که هر واکسنی را که به شما پیشنهاد شود باید استفاده کنید. اگر این واکسن توسط تنظیم‌کننده داروهای شما تأیید شده باشد، از شما در برابر علائم جدی ویروس کرونا محافظت می‌کند. مراجع مسئول واکسن‌ها را با توجه به گونه ویروسی که در منطقه شما درحال گردش است، تجویز می‌کنند تا مؤثر واقع شود. گفته شده است که اگر گونه جدید ویروس شایع شود، تولیدکنندگان واکسن می‌توانند واکسن‌های موجود را در مدت زمان نسبتاً کوتاه تغییر دهند تا در برابر نوع جدید ویروس نیز مؤثر باشد.

در آینده شاید واکسن‌های تقویت‌کننده لازم شود، اما در حال حاضر اگر واکسن در اختیار شما قرار گرفت خودتان را خوش‌شانس حساب کنید. بسیاری از مردم در سراسر جهان مدت‌ها برای دریافت سهم خودشان از واکسن در انتظار باقی خواهد ماند.

### خبر خوب: آزمایش واکسن -Oxford-AstraZeneca روی کودکان آغاز می‌شود

تعطیلی مکاتب سراسر جهان یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های قرنطینه ناشی از همه‌گیری به شمار می‌آید. کودکان آموزش حیاتی و همچنین فرصت تعاملات اجتماعی مهم را از دست دادند. در این موارد معمولاً کودکانی که قبل از همه‌گیری به دلیل محرومیت اجتماعی و سایر دلایل اجتماعی-اقتصادی آسیب دیده بودند، با آغاز همه‌گیری و قرنطینه ناشی از آن، بیشترین ضربه را خوردند. بازگشایی مکاتب یک ضرورت حیاتی است زیرا اگر مکاتب همچنان تعطیل بمانند، نسلی از کودکان مان بقیه عمرشان را با افت تحصیلی سپری خواهند کرد.

اکنون «انستیتوت ملی تحقیقات بهداشت» مطالعه‌ای را که توسط دانشگاه آکسفورد اجرا می‌شود، تمویل می‌کند که در آن واکسن -Oxford-AstraZeneca روی ۲۴۰ فرد ۶ تا ۱۷ ساله آزمایش خواهد شد. در این آزمایش به نیمی از این کودکان واکسن Oxford-AstraZeneca و به نیمی دیگر واکسن دارونما داده می‌شود. سپس آن‌ها از نظر واکنش سیستم ایمنی بدن شان و هرگونه عوارض جانبی پس از دریافت واکسن، زیر نظر قرار خواهند گرفت. این آزمایش به ما درک بهتری از نحوه سرایت ویروس کرونا به کودکان و نوجوانان خواهد داد و با توجه به اطلاعات مقدماتی که منتشر شده و نشان می‌دهد که این واکسن‌ها می‌تواند به کاهش انتقال ویروس و همچنین کاهش شدت بیماری ناشی از آن کمک کند، می‌تواند به ما کمک کند گام دیگری در راستای پایان‌دادن به قرنطینه و بازگشت کودکان مان به مکتب برداریم.

**سوال: چه کسی نباید واکسینه شود؟** واکسن‌های موجود کووید ۱۹ برای اکثریت قریب به اتفاق مردم بی‌خطر است، اما مقامات بهداشتی بریتانیا اعلام کرده‌اند که هرکسی که حساسیت شدید به عناصر سازنده این واکسن‌ها داشته باشند، نباید آن‌را دریافت کنند. همچنین توصیه شده است که افرادی که در مرحله آزمایشی واکسن کرونا شرکت داشته‌اند، باید قبل از دریافت واکسن نهایی، با تیمی که آزمایش را انجام داده صحبت کند، زیرا ممکن است از قبل در مرحله آزمایش، این واکسن را دریافت کرده باشد.

ناتوانی در یادگیری به معنای ضعف چشم‌گیر توانایی فرد در درک اطلاعات جدید یا پیچیده و ناتوانی او در یادگیری مهارت‌های جدید است. همچنین ناتوانی در یادگیری ارتباط مستقیم با ضعف در توانایی مقابله مستقل با دشواری‌ها دارد و بر رشد فرد تأثیر ماندگار می‌گذارد. این بدان معناست که افراد مبتلا به اختلالات یادگیری معمولاً مدیریت مهارت‌های اساسی روزمره زندگی را دشوارتر می‌یابند و برای بسیاری از کارها از جمله برقراری ارتباط، مدیریت پول و یا مراقبت از خودشان، به حمایت دیگران متکی اند.

**کدام واکسن بهتر است؟** پاسخ‌دادن به پرسش‌ها در مورد ویروس کرونا و واکسن‌های فعلی برای آن به شغل دوم من تبدیل شده است. تأییدکردن این‌که این واکسن‌ها حاوی هیچ فراورده حیوانی نیست، یا مکرراً توضیح‌دادن این‌که هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد واکسن‌های تأییدشده روی باروری تأثیر می‌گذارد، بخشی از برنامه روزمره من شده است.

هفته گذشته هنگامی که یک آقای ۷۰ ساله را واکسن -Oxford-AstraZeneca می‌زد، به من گفت: «دکتر خان من این یکی را نمی‌خواهم. واکسن فایزر می‌خواهم.» این حرف باعث تعجب من شد زیرا در کل، افرادی که به کلینیک‌های واکسیناسیون می‌آیند، واکسن می‌خواهند و هرکدام را که پیشنهاد شود، دریافت می‌کنند. از او پرسیدم: «چرا؟»

گفت: «خب دکتر، شنیده‌ام که فایزر بهتر است.» اما حقیقت ماجرا این بود که ما فقط واکسن Oxford-AstraZeneca را در انبار کلینیک داشتیم. ما هیچ کنترلی بر این‌که چه چیزی به ما تحویل داده می‌شود نداریم و در حقیقت، ما فقط از این‌که واکسن هست و مردم دریافتش می‌کنند خوشحالیم.

از او پرسیدم: «منظورت چیست که فایزر بهتر است؟» او گفت: «خب، یکی از دوستانم به من گفت که واکسن فایزر زده و این‌که این یکی بهترین است.»

هرچند که بیمار بعدی در صف دریافت واکسن منتظر بود، اما می‌خواستم به این آقا اطلاعات صحیح بدهم.

برایش توضیح دادم که همه واکسن‌هایی که توسط مراجع تنظیم‌کننده به صورت قانونی تأیید شده‌اند، آزمایش‌های قوی را پشت سر گذاشته‌اند و در برابر نوع متفاوت ویروس که اکنون باعث ایجاد بیماری در انگلیس می‌شود، مؤثر واقع شده‌اند. پس از توضیحات بسیار او سرانجام واکسن را پذیرفت و راه خودش را گرفت و رفت.

اگر صادقانه بگویم دلیل تعجب من از سوال آن آقا این بود که همه افرادی که تاکنون واکسن زده‌ام از این‌که واکسن دریافت کرده بودند، سپس‌گزار بودند. گرچه تعداد جان‌باختگان ما از ویروس کرونا به طرز غم‌انگیزی در بریتانیا بالا بوده است، اما خوش‌شانس هستیم که

افراد دچار اختلالات یادگیری را در کارزار واکسیناسیون کووید ۱۹ اولویت دهند. برای مثال در بریتانیا، در حال حاضر فقط کسانی که در رده اختلالات یادگیری «شدید» قرار دارند، برای دریافت واکسن کووید ۱۹ در اولویت قرار دارند. با این‌حال بسیاری از گروه‌های فعال حقوق افراد دچار اختلالات یادگیری می‌گویند که تعریف اختلالات یادگیری خفیف، متوسط و شدید بسیار مبهم است و به این دلیل بسیاری از افراد دچار اختلالات یادگیری در معرض خطر قرار می‌گیرند.

نگران‌کننده‌تر از آن، در مقاله‌ای که این هفته در گاردین در مورد بریتانیا منتشر شد، آمده است که دولت بریتانیا تعدادی دستورات «عدم احیا» را طی همه‌گیری در مورد افراد دارای اختلالات یادگیری صادر کرده است.

ناتوانی در یادگیری به معنای ضعف چشم‌گیر توانایی فرد در درک اطلاعات جدید یا پیچیده و ناتوانی او در یادگیری مهارت‌های جدید است. همچنین ناتوانی در یادگیری ارتباط مستقیم با ضعف در توانایی مقابله مستقل با دشواری‌ها دارد و بر رشد فرد تأثیر ماندگار می‌گذارد. این بدان معناست که افراد مبتلا به اختلالات یادگیری معمولاً مدیریت مهارت‌های اساسی روزمره زندگی را دشوارتر می‌یابند و برای بسیاری از کارها از جمله برقراری ارتباط، مدیریت پول و یا مراقبت از خودشان، به حمایت دیگران متکی اند.

افراد دچار اختلالات یادگیری از نظر صحتی در این همه‌گیری بیش از همه آسیب دیده‌اند. برای مثال در انگلستان افراد دچار اختلال یادگیری به طور میانگین ۲۰ سال زودتر از افراد عادی می‌میرند و بسیاری از این مرگ‌ها اگر دسترسی این افراد به مراقبت‌های بهداشتی بهبود می‌یافت، قابل جلوگیری بودند.

مشکلاتی که افراد دارای اختلالات یادگیری با آن مواجه هستند، عبارتند از: نگرش منفی کارمندان بهداشت و درمان به آن‌ها، خدمات پراکنده و هماهنگی ضعیف بین نهادهای مسئول، کوتاهی ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی در اتخاذ تمهیدات معقول برای فرد دچار اختلال به گونه‌ای که هنگام دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی در معرض آسیب نباشد و فقدان درک نیازها افراد دارای اختلالات یادگیری.

عوارض جانبی آن‌را تجربه نمی‌کنید، به این معنا نیست که سیستم ایمنی بدن شما کار نمی‌کند. سیستم ایمنی بدن ما انسان‌ها بسیار متغیر است و بنابراین پیوند دادن شدت عوارض جانبی واکسن با کارایی یا عدم کارایی پاسخ ایمنی بدن غیرممکن است. امکان دارد شما یک واکنش ایمنی خوب نسبت به واکسن داشته باشید اما در عین حال هیچ عوارض جانبی را تجربه نکنید.

مطالعه دیگر در این زمینه دریافته است که اگر قبلاً به ویروس کرونا مبتلا شده باشید، احتمالاً بیشتر از دیگران با عوارض جانبی ناشی از دریافت واکسن روبرو خواهید شد. در این مطالعه ۳۳ درصد افرادی که قبلاً به کرونا مبتلا شده بودند، پس از دریافت اولین دوز واکسن کووید ۱۹ عوارض جانبی «خفیف در کل بدن» مانند خستگی، سردرد و لرز را گزارش دادند. در مقایسه فقط ۱۹ درصد افرادی که قبلاً به کرونا مبتلا نشده بودند، پس از دریافت اولین دوز واکسن عوارض جانبی آن‌را گزارش دادند. پژوهش‌گران می‌گویند که این امر شاید تأثیر پاسخ ایمنی مطلوب بدن در بین گروهی باشد که قبلاً به کووید ۱۹ مبتلا بوده‌اند، اما تأکید دارند که تحقیقات بیشتری باید در این مورد انجام شود.

من به عنوان یک پزشک پس از مشاهده آسیب‌هایی که کووید ۱۹ بر بیمارانتان وارد کرد، معتقدم که وقتی پای محافظت از خود و عزیزان‌تان در برابر این بیماری کشنده در میان باشد، عوارض جانبی جزئی هزینه‌ای نیست که روی دوش تان سنگینی کند.

### ناتوانی در یادگیری، کووید ۱۹ و واکسن‌های آن

پژوهش‌های تازه نشان می‌دهد که افرادی که دچار ناتوانی در یادگیری هستند شش برابر بیشتر از دیگران در معرض مرگ ناشی از کووید ۱۹ قرار دارند. افراد جوان‌تر (بین ۱۸ تا ۳۴ سال) که دچار اختلالات یادگیری هستند بیشتر در معرض خطر قرار دارند. احتمال مرگ این افراد در اثر ابتلا به کووید ۱۹ حدود ۳۰ برابر بیشتر از افراد هم‌سن و سال شان است.

این آمار تکان‌دهنده است و در بسیاری کشورها منجر به شکل‌گیری گروه‌هایی شده است که از دولت‌هاشان می‌خواهند

**هنگامی که واکسن به شما تزریق می‌شود، سیستم ایمنی بدن شما تشخیص می‌دهد که آنچه به شما تزریق شده مواد «بیگانه» است و بنابراین سعی می‌کند با آن مبارزه کند. برای این‌کار پیام‌رسان‌های خون شما موسوم به «سیتوکین» در برابر واکسن واکنش نشان داده و به سیستم ایمنی بدن شما سیگنال می‌فرستد که وارد عمل شود.**

از سه ماه به این‌سو در کلینیکم بیماران را در برابر کووید ۱۹ واکسینه می‌کنم. برخی از آن‌ها در مورد این واکسن‌ها پرسش‌هایی دارند که البته من با کمال خرسندی پاسخ می‌دهم. اکثریت آن‌ها از این‌که واکسن در اختیارشان قرار می‌گیرد احساس خوش‌بختی می‌کنند.

اما حالا به نظر می‌رسد دیدگاه بدبینانه‌ای در مورد واکسن‌های کرونا درحال ظهور است. هنگامی که ما با بیماران برای تعیین وقت واکسن‌شان تماس می‌گیریم، برخی از آن‌ها می‌گویند که نمی‌خواهند واکسینه شوند زیرا کسانی را می‌شناسند که پس از دریافت واکسن دچار عوارض جانبی آن شده‌اند.

در مطالعه‌ای در استرالیا که در آن پژوهش‌گران نگرانی‌های مربوط به واکسن کووید ۱۹ را بررسی کردند، ۱۰ درصد از افراد مورد مطالعه «عوارض جانبی بالقوه» واکسن را دلیل خودداری شان از دریافت واکسن عنوان کردند.

اولین‌بار نیست که من این نگرانی را می‌شنوم. هر سال که کارزار واکسن آنفلونزا آغاز می‌شود، همواره گروهی از افراد پیدا می‌شوند که این واکسن را نمی‌خواهند، زیرا به قول خودشان آخرین باری که واکسن آنفلونزا دریافت کرده بودند، دچار علائم خفیف «آنفلونزا مانند» شده بودند.

ابتدا باید بگویم که مشاهده عوارض جانبی جزئی پس از دریافت هر واکسنی، یک امر شایع است و در مورد واکسن‌های جدید کووید ۱۹ نیز همین امر صدق می‌کند. مطالعه‌ای که روی ۴۰ هزار کارمند صحتی که «واکسن فایزر» دریافت کرده بودند، انجام شده، نشان داد که از هر ۴ نفر یک نفر دچار عوارض جانبی جزئی پس از دریافت این واکسن شده است. هیچ‌یک از این علائم جدی نبوده و همه عمر کوتاهی داشته‌اند. شایع‌ترین عوارض جانبی گزارش‌شده پس از دریافت واکسن فایزر، درد در محل تزریق، تب خفیف، لرز، سردرد، خستگی و دردهای عضلانی است.

این عوارض ماندگار نیست و نشانه‌ای از واکنش سیستم ایمنی بدن شما در برابر واکسن به شمار می‌رود. این علائم نشان‌دهنده عفونت ناشی از ویروس کرونا نیست، زیرا واکسن‌های کووید ۱۹ حاوی این ویروس نیستند و بنابراین امکان ندارد با دریافت واکسن به کووید ۱۹ مبتلا شوید. در عوض این واکسن‌ها حاوی تکه‌های ریز مواد ژنتیکی است که به بدن شما می‌آموزد در صورت تماس چگونگی با ویروس کرونا مقابله کند.

هنگامی که واکسن به شما تزریق می‌شود، سیستم ایمنی بدن شما تشخیص می‌دهد که آنچه به شما تزریق شده مواد «بیگانه» است و بنابراین سعی می‌کند با آن مبارزه کند. برای این‌کار پیام‌رسان‌های خون شما موسوم به «سیتوکین» در برابر واکسن واکنش نشان داده و به سیستم ایمنی بدن شما سیگنال می‌فرستد که وارد عمل شود. وقتی سطح سیتوکین در بدن شما افزایش می‌یابد، اثر التهابی ملایمی بر رگ‌ها و بافت‌ها دارد و باعث واکنش‌هایی مانند بالا رفتن درجه حرارت بدن، درد عضلانی و لرز می‌شود. فرضیه‌ای وجود دارد که افراد جوان در مقایسه با افراد مسن بیشتر احتمال دارد پس از دریافت واکسن کووید ۱۹ عوارض جانبی آن‌را گزارش دهند، زیرا سیستم ایمنی بدن افراد جوان در مقایسه با افراد مسن قوی‌تر عمل می‌کند. با این‌حال اگر شما واکسینه شده‌اید اما

## حسین‌علی کریمی

محسن حسینی متولد ۱۳۵۳ ولایت کابل است. هفت ساله بود که آواره ایران شد. از کودکی نقاشی می‌کرد. بعدها گرافیک و گاهی هم کاریکاتور کار کرده است. لیسانس کارگردانی فیلم و انیمیشن از تهران دارد. تاکنون هشت فیلم کوتاه انیمیشن، چهار مستند و دو فیلم کوتاه داستانی ساخته است. مدرس و کشتان‌های انیمیشن، برنامه‌سازی تلویزیونی، نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی، ساخت گرافیک‌های تلویزیونی و فیلم‌های تبلیغاتی از دیگر فعالیت‌های اوست. او اکنون در ناروی زندگی می‌کند.

**پرسش:** نمی‌دانم گونه‌های از سینما، تحت عنوان سینمای صلح وجود دارد یا نه؟ منظورم از گونه این است که مثلاً یک ژانر دارای مختصات. بنابراین شاید بشود ابتدا کمی کلی‌تر بحث کرد و در مورد جایگاه و نسبت هنر با جامعه صحبت کرد، اینکه چه رویکردهایی نسبت به هنر وجود دارد. حداقل دو رویکرد هنر برای هنر و هنر در خدمت تعهد اجتماعی را می‌توان نام برد و برای برقراری نسبتی بین هنر و مقولات پیرامونی، آن رویکرد دوم به کار ما بیاید، در مجموع شاید بشود چنین پرسید که چه نسبتی بین هنر و مسائل پیرامون ما وجود دارد؟

**پاسخ:** هنر پیش از هر چیزی بیان حالات روحی و درک و دریافت هنرمند از هستی است. طبیعی است که هنرمند در خلا زندگی نمی‌کند. هر اثری که آفریده می‌شود برخاسته از دنیای پیرامون ما است که در دنیای درون هنرمند پالایش یافته است. پیکاسو یک اثر دارد به‌نام گرونیکا. موضوع این تابلو جنگ است، جنگ یک فاجعه اجتماعی است. نقل شده زمانی که یکی از افسران المان نازی از پیکاسو می‌پرسد که این تابلو کار شماست؟ پیکاسو در جواب می‌گوید: نه، کار شماست.

**پرسش:** همان‌طور که شما گفتید هنر پلنفرمی است برای بیان حالات روحی و دریافت هنرمند از جهان و هستی. شاید این‌طور به‌نظر برسد که رابطه‌ی آن بیشتر با فرد تعریف می‌شود تا جامعه. آیا می‌توانیم برای هنر رسالت اجتماعی قائل شویم؟

**پاسخ:** رسالت اجتماعی در هنر مسأله ذاتی نیست. یعنی این‌طور نیست که هنرمند یک رسالت و وظیفه‌ی ویژه داشته باشد که بار مسئولیتش را نسبت به دیگر افراد جامعه سنگین‌تر کند. یا این‌که هنر نقش خط‌کش را داشته باشد و هر پدیده‌ای را به دو گروه خوب و بد تقسیم کند و در جایگاه معلم بنشیند و نصیحت کند و یا قاضی شود و حکم صادر کند. آنچه که به‌نظر من مهم است، این است که باید خود هنرمند مسئولیت اجتماعی داشته باشد اما این مسئولیت اجتماعی چیزی نیست که هنرمند را از سایر انسان‌ها متمایز کند. چرا که مسئولیت اجتماعی در یک جامعه آرمانی به دوش همه است. شعرهای حافظ بیان‌گر احساس و احوال شخصی اوست. از این منظر اگر به حافظ نگاه کنیم او را شخصی می‌بینیم دل‌خوش و عاشق که هیچ دغدغه‌ی اجتماعی ندارد. انگار حافظ در یک مدینه فاضله زندگی می‌کرده. اما از سوی دیگر هم به حافظ باید نگاه کرد. توده مردم اشعار حافظ را به این دلیل نمی‌خوانند که مثل حافظ شعر بگویند، به این دلیل می‌خوانند که از آن لذت ببرند. اما در دنیای امروز وصف گل و بلبل تنها کارکرد هنر نیست. می‌خواهم بگویم که نباید این‌ها را به‌صورت مطلق دید و ارزش‌گذاری کرد. چرا که برداشت از هنر در طول سالیان دراز تغییر کرده است. یک زمانی چرم‌گری، نجاری، صحافی، کاشی کاری ... را هنر به‌حساب می‌آوردند. ولی امروزه این‌ها «فن» هستند؛ فن‌های کارکردگرا که جنبه تربیتی دارند. من هرچقدر فکر می‌کنم نمی‌توانم درک کنم که چرم‌گری چطور می‌تواند هنر باشد و مسئولیت اجتماعی هم داشته باشد. هنر باید احساسات ما را قلقلک بدهد. حالا چه غم باشد چی شادی و یا هر حس دیگر. مهم‌ترین کار هنر دقیقاً همین است؛ هدف‌گیری احساسات آدم‌ها، اما این تحریک احساسات کافی نیست تا ما اثری را هنری بنامیم. وقتی یک هنرمند یک فاجعه انسانی

## سینمای صلح؛ روایت خلق انسان اندیشمند (۱)

### گفتوگو با محسن حسینی، فیلم‌ساز و منتقد سینما

و برای هر فردی هم در دسترس بوده است. کافی بود با حنجره‌اش آواهایی را تولید کند و به این وسیله احساسات خود را بیان کند. اما هنر به‌عنوان یک بیان خلاقانه و تأثیرگذار اجتماعی نیازمند به دو تحول بزرگ بود. یکی ترک زندگی غارنشینی و آغاز تمدن و دیگری ساختن ابزاری برای خلق اثر.

**پرسش:** داستان سینما در این میان کجاست؟ سینما به‌عنوان هنری نوپا چگونه توانسته است با مسائل و موضوعات پیرامون خود رابطه برقرار کند؟

**پاسخ:** سینما محصول دوران مدرنیته و زندگی صنعتی است در ابتدای پیدایش سینما فقط طبقه متوسط بودند که توان رفتن به سینما را داشتند. برای آن‌ها این رفتن به سینما و یا تئاتر یا کنسرت موسیقی هم نوعی فخر و روشی و تمایزطلبی طبقاتی بود و هم به نوعی فرار از زندگی کسالت‌بار ماشینی. بی‌جهت نیست که سینما در ابتدا صرف ابزاری سرگرم‌کننده تلقی می‌شد که توان رقابت با هنر فاخری چون تئاتر را نداشت. از طرفی خود تولید در سینما هم کاری پرهزینه و نیاز به سرمایه‌گذاری داشت و این بدان معنا بود که بدون سرگرمی نمی‌توان سود کرد و یا سرمایه را باز یافت. اما جدا از پیشرفت فنی که سینما به سرعت در حال طی کردن آن بود، مهم‌ترین عنصری که وارد سینما شد، «داستان» بود. کم‌کم این اتفاق افتاد که با سینما می‌توان قصه گفت. درست از همین جاست که می‌توان گفت سینما به‌عنوان یک هنر و صنعت، عرض‌اندام کرد و از همه مهم‌تر در میان توده مردم راه یافت و به‌عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه جای پیش را به‌عنوان هنری نوظهور محکم ساخت. همه‌ی این‌ها مدیون قصه بود. یا قصه واقعی مردم که مستند می‌نامند یا باز هم قصه مردمی که زاده‌ی تخیل یک انسان دیگر است. هرچه که هست این است که این قصه‌ها از دنیای پیرامون ما می‌آیند.

یکی فیلم جنگی می‌سازد تا شکوه و عظمت یک جنگ را نشان بدهد. طبیعی است که فیلمی با مضمون جنگ، سرشار از خشونت است. نمایش عریان خشونت برای مخاطب سرگرم‌کننده است. یکی دیگر هم فیلم جنگی می‌سازد با این هدف که برای مخاطب احساس نفرت از خشونت را ایجاد کند.

انسان امروز تشنه‌ی دیدن قصه بود و این کار را سینما به شکل باورپذیری عرضه می‌کرد. **پرسش:** یکی از مصائب بشری جنگ بوده است، به‌لحاظ تاریخی هنر به‌صورت عام و سینما به‌صورت خاص چه موضعی نسبت به این پدیده گرفته است؟

**پاسخ:** هنر بدون احساسات و عواطف انسانی شکل نمی‌گیرد. جنگ به‌عنوان فاجعه انسانی، روح و روان هر انسانی چه در درون آن باشد و چه در بیرون، آزرده و رنجور می‌سازد. برای یک هنرمند میزان این رنج به حدی است که به وسیله‌ای پناه می‌برد تا این حجم از درماندگی را بیان کند. در واقع هدف از خلق یک اثر بیشتر آرامش خود صاحب اثر است. اساساً بحران، تراژدی می‌آفریند و از تراژدی داستان خلق می‌شود. یعنی این خود جنگ نیست که قابلیت تبدیل‌شدن به اثر هنری داشته باشد، بلکه این داستان‌هایی است که از درون آن بیرون می‌آیند ارزش بیان هنرمندانه را دارند. متأسفانه اگر از این زاویه به فاجعه‌های انسانی نظیر جنگ نگاه کنیم همیشه هنرمندان خوراک کافی در اختیار دارند. بی‌شمار قصه‌هایی که از جنگ نوشته‌اند، تابلوهایی که زشتی جنگ را به تصویر کشیده‌اند و آهنگ‌هایی که تحت تأثیر فجایع جنگ ساخته شده‌اند. اما سینما به لطف درامی که خلق می‌کند و به کمک ابزار فنی اعم از صدا و تصویر که در اختیار دارد، دامنه‌ی مخاطب وسیعی دارد. اگر از هنر ایدئولوژیک و یا هنری که وابسته به دستگاه قدرت و حاکمیت است بگذریم، هنر به‌عنوان بازنمایی خلاقانه بحران اجتماعی، همواره ضد جنگ بوده.

**پرسش:** آیا این گزاره درست است که

«هنر و سینما همچون سلاحی در دست جنگ‌افروزان عمل کرده است؟» آیا مصادیقی برای این گزاره وجود دارد؟

**پاسخ:** نمی‌توانیم این‌گونه قضاوت کنیم اگر عوامل دیگر را در نظر بگیریم به‌خصوص درباره سینما که پرمخاطب‌ترین رسانه است. دستگاه قدرت همیشه سعی می‌کند برای پیشبرد اهداف خود از هنر برای تأثیرگذاری بر توده‌ها استفاده کند. این قدرت می‌تواند وابسته به دستگاه دین یا مذهب باشد یا قدرت سیاسی و یا بنگاه‌های اقتصادی. دیوارهای کلیسا پر است از شاهکارهایی که به سفارش دستگاه دین خلق شده‌اند. یا فیلم‌هایی که همواره ساخته می‌شوند تا دو طرف درگیر، جنگ خودشان را مقدس و موجه نشان بدهند. اما باید این را در نظر داشته باشیم که سینما در درجه نخست به دنبال تجارت است و بازگرداندن سود در یک چرخه تولیدی. تهیه‌کنندگان سینمای تجاری می‌نشینند و درست مثل یک شرکت تولیدی برای کالای خود بازاریابی می‌کنند. می‌سنجند که چه نوع قصه‌ای خریدار دارد؟ آیا سود دارد یا نه؟ تا مطمئن نشوند کاری نمی‌کنند. همین جا است که ممکن است سراغ دستگاه‌های قدرت هم بروند. شاید جالب باشد که مثلاً بعضی فیلم‌های ضد جنگ که تولید می‌شوند، به‌عنوان نمونه در هالیوود، حمایت دولت آمریکا را که خود یکی از طرف‌های جنگ بوده، به همراه داشته است. این همراهی قدرت در تولید فیلمی که نقد علیه خودش است، به‌دلیل بی‌باوری آن‌ها به جنگ و یا بی‌زاری از آن نیست. گاهی جو جامعه به‌شدت ضد جنگ‌افروزی می‌شود. سیاست‌مداران نیاز دارند تا از سینما به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان برای فروکش کردن احساسات مردم استفاده کنند. این نوع سینما با وجود آن‌که ضد جنگ است اما قصدشان رمانتیک ساختن جنگ است. تملطیف‌کردن مسأله «جنگ» است. ما کشته‌های خود را به نمایش می‌گذاریم درحالی‌که در آن سوی جنگ هم انسان‌هایی هستند که کشته شده‌اند. برای فهمیدن این مسأله کافی‌ست به بناهای یادبود سربازان گمنام نگاهی بیندازیم که در خیلی از شهرها و کشورها وجود دارند. این‌ها یکی از هزاران نمادهای جنگ هستند. در یک جنگ و در دو جبهه مقابل هم.

بنابراین اصطلاح جنگ‌افروزان چیزی است

## تحلیل

## افغانستان نباید به عراق سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۶ تبدیل شود

محمد هادی ابراهیمی

چند روز پیش مولوی مجیب‌الرحمان انصاری، خطیب نماز جمعه‌ی هرات، در سخنرانی خود گفته بود که حمایت از نظام کنونی گناه کبیره است. او علمایی را که از نظام حمایت می‌کنند علمای یهود و نصارا دانست. پس از این سخنان بود که حمدالله محب، مشاور امنیت ملی در واکنش خود گفت که با توجه به احتمال دست‌داشتن استخبارات منطقه در پشت سخنان آقای انصاری، برای امنیت ملی دستور داده است تا پرونده‌ی این واعظ هراتی را بررسی کند. جدای از این‌که نتیجه‌ی بررسی‌ها چه باشد، این مطلب واضح است که سخنان مولوی انصاری در آتش بنیادگرایی دمیده و به سود کشورهای منطقه است، نه به سود افغانستان. سخنان مولوی انصاری نتیجه‌ی جز رشد بنیادگرایی و ایجاد تفرقه‌افکنی ندارد. چه این‌که این واعظ هراتی بارها باعث اختلاف‌افکنی‌های میان شیعیان و سنیان هرات شده است و با سخنرانی‌های خود، تخم تفرقه و اختلاف را کاشته است. باید توجه داشت که دود آتشی که از تفرقه‌افکنی بالا می‌شود، تنها به چشم مردم افغانستان می‌رود. تفرقه‌افکنی یک بازنده دارد و چند برنده، بازنده‌ی آن مردم افغانستان هستند و برنده‌ی آن کشورهایی که از این تفرقه سود می‌برند. تجربه‌ی کشورهای مختلف ثابت کرده است که تفرقه‌افکنی و همین‌طور بنیادگرایی، تا چه میزان می‌تواند یک کشور را به گرداب بحران‌ها ببرد و باعث رنج و محنت مردم شود.

به همین جهت لازم است تا مروری کوتاه بر تاریخ عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ داشته باشیم. عراق یکی از کشورهایی است که تجربه‌ی بسان افغانستان داشته است و مرور تاریخ آن می‌تواند هم برای مردم افغانستان و هم برای دولت‌مردان، عبرت‌آموز باشد.

نزدیک به ده سال پیش تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا در نوشته‌های عراق را بخشی از یک مسأله‌ی بزرگ‌تر دانست. او در این نوشته تلاش می‌کرد تا نشان دهد که چگونه آشوب در عراق سال ۲۰۰۳، باعث ایجاد ناامنی در دیگر کشورهای خاورمیانه شده است. او در قسمتی از نوشته‌ی خود می‌گوید که عراق، نه تنها برای منطقه که برای تمام جهان درس‌های زیادی دارد.

به نظر می‌رسد این سخن تونی بلر همچنان صادق است و عراق، درس‌های زیادی برای کشورهای دیگر دارد. در این میان افغانستان نیز می‌تواند از عراق درس‌های زیادی بیاموزد، چه اینکه افغانستان و عراق هر دو در فاصله‌ی یک سال مورد حمله‌ی امریکا قرار گرفتند و حالا هر دو با چالش‌هایی همچون دولت شکننده، دخالت دولت‌های همسایه، اختلافات مذهبی و فرقه‌ای و قدرت‌گیری گروه‌های بنیادگرا مواجه‌اند.

یکی از مواردی که برای افغانستان در شرایط کنونی می‌تواند عبرت‌آموز باشد، اختلافات فرقه‌ای در عراق و آنچه این اختلافات بر سر عراق آورد، است. اختلافاتی که از سال ۲۰۰۳ شروع شد و تا سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ و با دست‌درازی‌های کشورهای منطقه، به اوج خود رسید، تفرقه‌افکنی‌هایی که باعث تضعیف دولت عراق و در نتیجه گیر ماندن عراق در وضعیتی که سازمان ملل از آن به (شبه جنگ داخلی) تعبیر کرد. برای ریشه‌یابی بهتر اختلافات نگاهی می‌اندازیم به عراق پس از حمله‌ی ایالات متحده‌ی امریکا.

در ساعت پنج و ۳۴ دقیقه‌ی بامداد بیستم مارچ ۲۰۰۳، حمله امریکا به عراق آغاز شد. این حمله پس از ۹ روز به سقوط بغداد انجامید و دولت صدام و حکومت حزب بعث پایان یافت. پس از سرکوب نیروهای باقی‌مانده از حزب بعث و طرفداران صدام، حکومت ائتلاف موقت در ۲۱ آپریل ۲۰۰۳ در عراق ایجاد شد. این حکومت قرار بود عمری ۱۴ ماهه داشته باشد و زمینه‌سازی برای حکومت بعدی عراق را انجام دهد.

اما روی کار آمدن حکومت ائتلاف موقت همراه بود با تقویت

گروه‌های بنیادگرایی و تشدید شورش‌هایی که از سوی شبه‌نظامیان معترض علیه دولت موقت انجام می‌گرفت. این شورش‌ها گرچند هدف آنان مشترک بود، اما به دلیل ماهیت جامعه‌شناختی عراق و البته دست‌درازی کشورهای منطقه، عملاً باعث شده بود که گروه‌های شورشی، براساس مذهب و فرقه تقسیم شده باشند؛ گروه‌های سنی‌مذهب افراطی با شبه نظامیان القاعده به رهبری الزرقاوی اقدام به شورش علیه دولت موقت کردند و شیعیان افراطی هم با رهبری مقتدا صدر، اقدام به ایجاد جیش‌المهدی و شورش‌گری کردند.

گرچند این شورش‌ها که از سوی گروه‌های بنیادگرا صورت می‌گرفت، ابتدا تفنگ خود را علیه دولت موقت نشانه گرفته بودند، اما به مرور زمان، تفنگ‌های شورشیان به سمت همدیگر نشانه رفت. در این هنگام بود که روزبه‌روز دامنه‌ی اختلافات فرقه‌ای در عراق گسترش یافت. در این میان، تفرقه‌افکنی‌های کشورهای منطقه، شعله‌ی اختلافات را شدیدتر می‌ساخت. از عربستان سعودی و کشورهای عربی دیگر جنگ‌جویان سنی‌مذهب وارد عراق شدند و به گروه‌های سنی‌مذهب پیوستند و از سویی ایران هم اقدام به حمایت از گروه‌های شیعه‌ی افراطی کرد.

ستیزه و کشمکش میان گروه‌های شیعی و سنی به تمام حوزه‌های سیاسی و غیر سیاسی تعمیم یافت. در سال ۲۰۰۵ انتخابات از سوی سنی‌مذهبان عراق تحریم شد، اما گروه‌های کرد و شیعی با استقبال به سمت انتخابات رفتند. به همین جهت بود که بمب‌گذاری در تجمع شیعیان و سنیان افزایش یافت، افزایشی که باعث شد در ماه اپریل ۲۰۰۵، نزدیک به ۷۰۰ غیر نظامی در این بمب‌گذاری‌ها کشته شوند.

این حملات روزبه‌روز افزایش می‌یافت، تا این‌که در سال ۲۰۰۶ عملاً سازمان ملل متحد، وضعیت عراق را «شبه جنگ داخلی» توصیف کرد. افزایش خشونت‌ها و جنگ‌های فرقه‌ای به اندازه‌ی بود که بنابر آمارهای ویکی‌لیکس در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد، در میان سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹، نزدیک به ۶۶ هزار و ۸۱ غیر نظامی کشته شدند که بیشتر این کشته‌شدگان، در جنگ‌های فرقه‌ای از بین رفته‌اند.

عراق تبدیل شده بود به مرکز بنیادگرایی در منطقه و میدان باتلاق جنگ‌های فرقه‌ای؛ فرقه‌هایی که هر روز محدودده‌ی دوست‌شان تنگ‌تر می‌شد و محدودده‌ی دشمنان‌شان فراخ‌تر. نه تنها این جنگ‌ها و اختلافات در تقابل شیعه و سنی بود، بلکه سنی‌مذهبان و شیعه‌مذهبان هم با هویت‌های فرقه‌ای و منطقه‌ای به ده‌ها گروه دیگر تقسیم شده بودند و عراق را به میدان جنگ همیشگی خود تبدیل کردند. خشونت‌هایی که تنها در کشتن دشمن محدود نبود، بلکه آنچه از رسانه‌ها بازتاب می‌یافت مثله‌کردن و تکه‌تکه کردن دشمن، زنده‌زنده سوزاندن و زنده به گور کردن و انواع شکنجه‌های دیگر بود. اخبار خشونت‌های فرقه‌ای از عراق روز به روز تشدید می‌یافت و عراق چیزی جز میدان جنگ گروه‌ها نبود.

جنگ گروه‌ها در داخل کشور باعث شد که عملاً جای پای استخبارات منطقه در عراق محکم‌تر شود و کشورهای منطقه، رقابت‌های خود را در عراق پی‌گیری کنند. ایران تلاش کرد تا از گروه‌های شیعی و دولت مالکی حمایت کند، در مقابل عربستان سعودی نیز از گروه‌های سنی‌مذهب در عراق حمایت می‌کرد. عراق نه تنها که میدان تاخت و تاز و دست‌درازی‌های ایران و عربستان سعودی شده بود، بلکه کشورهای دیگری همچون سوریه، ترکیه و امارات هم وارد میدان شده بودند.

بی‌راهه نیست اگر بگوییم همین اختلافات فرقه‌ای در نتیجه باعث رشد گروه‌های بنیادگرا و ظهور پدیده‌ی خشنی چون داعش شد، پدیده‌ای که میزان توحش و خشونت او جهان را به حیرت برد. به باور بسیاری از تحلیل‌گران خشونت‌ی که داعش از خود صادر می‌کرد، بر علاوه که یک استراتژی برای تأثیرگذاری بود، نتیجه‌ی عقده‌ای بود که سال‌های گروه‌های سنی‌مذهب از تندروهای شیعی داشتند.

لذا می‌توان با مروری ساده به رویدادهای اخیر عراق، به خوبی درک کرد که اختلافات فرقه‌ای تا چه اندازه باعث رشد گروه‌های بنیادگرا در عراق و در نتیجه ظهور داعش شد. همین اختلافات فرقه‌ای که عملاً از سوی کشورهای همسایه حمایت می‌شد، داعشی را به وجود آورد که هم عراق، هم کشورهای منطقه و هم جهان را با تهدید مواجه ساخته بود.

البته همان‌طور که اشاره شد، دخالت کشورهای همسایه نیز بر اختلافات فرقه‌ای افزود، دخالت‌های سپاه پاسداران ایران و حمایت او از گروه‌های شیعی و تشویق به سرکوب گروه‌های سنی، و همین‌طور دخالت‌های گسترده‌ی عربستان سعودی برای بهره‌برداری هر چه بهتر از وهابیت در راستای سرکوب شیعیان، باعث شعله‌ور شدن جنگ‌های داخلی در عراق شد.

لذا وضعیت عراق باید نصب‌العین مردم افغانستان و دولت‌مردان این کشور قرار بگیرد. نباید به گروه‌های بنیادگرا و تفرقه‌افکن، اجازه‌ی رشد داد و همین‌طور نباید زمینه را برای رشد اختلافات مذهبی و فرقه‌ای باز گذاشت. واضح است که کشور افغانستان، کشوری چند قومی و چند مذهبی است. هم تمایزات قومی و هم تمایزات مذهبی پتانسیل این را دارند که تبدیل به تضاد و ستیزه‌های مذهبی و قومی بشوند. البته واضح است که وجود شکاف مذهبی و قومی به معنای ستیزه و کشمکش قومی و مذهبی نیست، چه بسا کشورهایی که با وجود اقوام و مذاهب مختلف، همچنان به گونه‌ی مسالمت‌آمیز به زندگی جمعی خود ادامه می‌دهند. اما اگر به زمینه‌های تضاد مذهبی و قومی از جمله گروه‌های بنیادگرا و دخالت‌های کشورهای منطقه توجه نشود، احتمال گیر افتادن افغانستان به دامن اختلافات فرقه‌ای زیاد است. چه این‌که این کشور تجربه‌ی جنگ‌های داخلی که با هویت‌های مذهبی تقسیم شده بودند را هم در تاریخ معاصر خود دارد.

اولین نکته که باید مورد توجه دولت قرار بگیرد، ممانعت از رشد گروه‌های بنیادگرا است. گروه‌های بنیادگرا همان‌طور که گذشت خاصیتی غیرساز و غیرستیز دارند. این گروه‌ها به خاطر نوعیت تفکر خود پتانسیل آن را دارند که کشور را به میدان جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی تبدیل کنند.

برعلاوه گروه‌های بنیادگرا به دلیل ایدئولوژی فراملی خود، پایبندی چندانی به هویت ملی و دولتی که بر جغرافیای آنان حکم می‌راند، ندارند. چه بسا که این گروه‌ها به دلیل قربات‌های ایدئولوژیک با کشورهای منطقه، نه در جهت منافع کشور خود بلکه در جهت منافع کشورهای هم‌سو با خود حرکت کرده و کشور را به میدان رقابت‌های استخباراتی تبدیل کنند.

همین‌طور باید جلوی افراد و گروه‌های بنیادگرایی که در راستای اهداف کشورهای منطقه و تضعیف دولت در افغانستان سخن می‌زنند، گرفته شود. چنین افرادی می‌توانند افغانستان را به عراق سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ تبدیل کنند و با دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای، باعث بحران‌های متعددی در کشور شوند. افرادی که کشور را به میدان استخبارات منطقه تبدیل کرده و برای اهداف ایدئولوژیک خود، هویت و اقتدار کشور را لگدمال می‌کنند. برعلاوه نکته‌ای که می‌توان از عراق برای شهروندان افغانستان آموخت، دوری از اختلافات مذهبی و فرقه‌ای است. عراق به خوبی نشان داد که با اوج گرفتن اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، بازندگان اصلی شهروندان همان کشورند و این اختلافات باعث می‌شود که پای کشورهای بیگانه و سودجو، به داخل کشور باز شده و جغرافیای کشور تبدیل به میدان جنگ قدرت‌های منطقه شود.

باری، این روزها که صداهای بنیادگرایی و تفرقه‌افکنی از گوشه و کنار افغانستان به گوش می‌رسد، باید همان سخن تونی بلر در مورد عبرت‌آموزی از عراق را به یاد آورد و نگذاشت که افغانستان، به عراق سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ تبدیل شود.



که ما می‌گوییم، هر جنگی یک دلیلی دارد، یا اقتصاد است یا مذهب یا خرافات. چیزی که مهم است همه جنگ خود را مقدس می‌پندارند و برای آن به اندازه کافی دلیل و توجیهات می‌آورند. در چنین شرایطی از هر ابزاری برای نشان‌دادن این قداست استفاده می‌کنند از جمله هنر. سینما هم یکی از ابزار تبلیغات است منتها در این گونه موارد نه به‌عنوان هنر بلکه در نقش یک رسانه. اصالت هنر، بیان حقیقت است، منتها بیان حقیقت بسیار سخت است. حقیقت این است که هیچ جنگی مقدس نیست. هنر انسان را به‌عنوان انسان می‌بیند. انسان را تاریخ، جغرافیا، مذهب، رنگ و یا نژاد نمی‌بیند. از دید هنر جنگ برای دوطرف ویرانی و مصیبت است.

پرسش: بگذارید سوال را از این زاویه هم ببریم. آیا از هنر و سینما در مقام ابزاری برای مقابله با خشونت و کشتار استفاده شده است؟ چه مصداق‌های برای این ادعا وجود دارد؟

پاسخ: کار هنر همیشه تلطیف روح و روان انسان بوده است. این کار ممکن نیست جز تحریک احساسات مخاطب. وقتی ما در مقابل مجسمه‌ی داوود قرار می‌گیریم، تحت تأثیر شکوه و بزرگی این کار قرار می‌گیریم، دیگر برای ما مهم نیست که سازنده آن میکال آنژ باشد یا یک کسی دیگر. این احساسات ماست که تصمیم می‌گیرند. بعید می‌دانم کسی از دیدن خشونت لذت ببرد. برعکس ممکن است نفرت ایجاد کند، نفرت هم نوعی احساس است. برای همین است که ما در فیلم‌ها همراه قهرمانان قصه گریه می‌کنیم، می‌خندیم و با آن‌ها همذات‌پنداری می‌کنیم درحالی‌که می‌دانیم این یک نمایش است. یک دروغ است. منتها دروغی که باورپذیر بیان می‌شود. کار هنر دقیقاً همین است؛ برانگیختگی احساسات مخاطب. به‌عنوان مثال یکی فیلم جنگی می‌سازد تا شکوه و عظمت یک جنگ را نشان بدهد. طبیعی است که فیلمی یا مضمون جنگ، سرشار از خشونت است. نمایش عریان خشونت برای مخاطب سرگرم‌کننده است.

یکی دیگر هم فیلم جنگی می‌سازد با این هدف که برای مخاطب احساس نفرت از خشونت را ایجاد کند. راه دور نرویم، همین داعش تعداد زیادی فیلم مستند و وحشتناک از سر بردن گروگان‌هایش منتشر کردند. از لحاظ فنی و سینمایی بسیار عالی کار شده بودند، تدوین فوق‌العاده داشتند، تعلیق داشتند، مشخص بود که پشت سر این نوع فیلم‌ها یک ذهن خلاق و البته که بیمار نشسته بود. اما در نهایت ما چیزی جز یک جنایت نمی‌دیدیم. من خودم روحیه‌ی دیدن چنین فیلم‌هایی را ندارم. اما میلیون‌ها نفر با شوق و هیجان تماشا می‌کردند. واضح است که همه‌ی این آدم‌ها هوادار ایدئولوژی داعش نبودند بلکه از آن متفرد بودند. اما همان‌طور که قبلاً هم گفتم خشونت ابزاری سرگرم‌کننده برای انسان‌هاست. این ما هستیم که باید نسبت خود را با آن روشن کنیم و از خود بپرسیم با آن چگونه برخوردی باید داشته باشیم.

مناسب است به این نکته اشاره کنم که این همه شوق و ذوق ما برای دیدن این حجم از خشونت از کجا می‌آید؟ چند سال قبل یکی از کودکان ده ساله فامیل با هیجان آمد و یکی از همین ویدیوهای سربریدن داعش را به من نشان داد در حضور پدر و مادرش. من پدرش را سرزنش کردم که از این رفتار فرزندش شادمان بود. این مثال را زدم که بگوییم این نوع رفتار ما است که چرخه تولید خشونت می‌چرخاند. این بیشعوری جمعی ما است که حتا کودکان ما از سربریدن لذت می‌برند. چرا؟ چون رسانه تبلیغ خشونت می‌کند. چون برای رسانه مبارزه‌ی دو انسان در داخل قفس به مراتب هم سرگرم‌کننده‌تر است و هم مشتری جذب می‌کند. چون در خانواده و جامعه هیچ کس در مقابل این همه خشونت عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. این گونه است که خشونت امری عادی می‌شود. کسی که بیماری شکر دارد، شیرینی نمی‌خورد، این طور نیست که به‌خاطر بیماران، عرضه شکر را ممنوع کنیم. رسانه کلاهی تولید می‌کند و ما حق انتخاب داریم که یک فیلم از مرگ آدم‌ها ببینیم یا از زندگی آن‌ها. حالا اگر از این منظر به مسأله نگاه کنیم، سینما همیشه بازار برای تولید خشونت دارد. ولی ما نمی‌دانیم که انسان‌های بیماری هستیم که این نسخه برای‌شان خوب نیست.

ادامه دارد...

## یک میلیارد دلار از بدهی کوریای جنوبی از کانال سوئیس به ایران می‌رسد



اروپایی به توافق رسیده‌اند تا بعد از طریق سازوکار «تجاری بشردوستانه» این کشور به ایران منتقل شود. سوئیس حافظ منافع آمریکا در ایران است و برای ارسال کالاهای دارویی و غذا از تحریم‌های آمریکا معاف است. بر اساس سازوکار مالی-تجاری در سوئیس، این کشور به جای پول نقد، به ایران کالا ارسال می‌کند. این در حالی است که عبدالناصر همتی، رییس بانک مرکزی ایران ادعا کرده که جمهوری اسلامی به کوریای جنوبی تنها اجازه داده که بدهی معوق خود را در قالب پرداخت مستقیم جبران کند. او مدعی شده که «فقط پول به حساب‌های بانکی ما می‌آید» و کوریای جنوبی را نیز به اقدام حقوقی تهدید

کوریای جنوبی روز پنج‌شنبه، هفتم حوت، به نقل از یک مقام ارشد وزارت خارجه این کشور گزارش کرد. ایران پیشتر گفته بود که بر سر آزادسازی دارایی خود در کوریای جنوبی، با سئول به توافق رسیده، اما وزارت خارجه کوریای جنوبی اعلام کرده بود دارایی‌های بلوکه‌شده ایران پس از رایزنی با آمریکا آزاد خواهد شد. مقام رسمی کوریای جنوبی که به نام وی اشاره‌ای نشده، گفته است بر اساس این توافق که هنوز «نهایی» نشده، دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در کوریای جنوبی، ابتدا به سوئیس منتقل خواهد شد. مذاکرات پیشین دو کشور حاکی از این بود که سئول و واشینگتن بر سر ارسال دارایی‌های ایران به یک کشور

اطلاعات روز: همزمان با انتشار خبر «موافقت کلی» آمریکا با آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در کوریای جنوبی، رییس اتاق بازرگانی ایران و کوریای جنوبی اعلام کرد یک میلیارد دلار از این دارایی‌ها در قالب خرید غذا و دارو به ایران خواهد رسید.

به گزارش رادیو فردا، حسین تنهایی، رییس اتاق بازرگانی، روز جمعه، هشتم حوت، و ساعاتی پس از گزارش رسانه‌های کوریای جنوبی مبنی بر موافقت اصولی آمریکا با بازپرداخت بدهی ایران، این موضوع را به خبرگزاری ایلنا گفت.

وی گفت: «قرار است تا یک میلیارد دلار از این دارایی‌ها به کانال مالی ایران و سوئیس واریز شود تا صرف خرید دارو و غذا شود. در مورد اقلام دارویی نیز وزارت بهداشت با بانک مرکزی هماهنگ شده است.»

آقای تنهایی افزود: «موضوع مهم در این مورد، این است که ما یا پول دریافت کنیم و یا اقلامی مانند ماشین‌آلات که تولید داخلی را عمق ببخشد. از همین روی از اقلام دارو و غذا شروع خواهیم کرد.»

رییس اتاق بازرگانی ایران تاکید کرده نباید «تعیین‌کننده» اقلام مبادله‌ای طرف مقابل باشد و ایران باید بر اساس اولویت‌های خود، اقلام مورد نیاز را درخواست کند.

اظهارات این مقام رسمی پس از آن بیان می‌شود که رسانه‌های کوریای جنوبی اعلام کردند آمریکا با آزادسازی دارایی‌های ایران در این کشور و انتقال آن از طریق کانالی مالی در سوئیس «موافقت کلی» کرده است.

این خبر را ایستگاه رادیویی شبکه جهانی کی‌بی‌اس

## «۲۲ کشته» در حمله آمریکا به مواضع شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در سوریه

شهر بوکمال سوریه، ۲۲ نفر کشته شدند. ناظر حقوق بشر سوریه می‌گوید تمامی این کشته‌شدگان از نیروهای حشدالشعبی بودند. حشدالشعبی، مهم‌ترین گروه شبه‌نظامی فعال در عراق است که از حمایت نظامی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است و در سوریه نیز ماموریت‌هایی انجام داده است.

سی‌ان‌ان هم به نقل منابع نظامی آمریکا می‌گوید، شماری از نیروهای شبه‌نظامی مورد حمایت ایران در این حمله کشته شدند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در این باره نوشت که تصمیم جو بایدن برای حمله به مواضع شبه‌نظامیان در سوریه نشانه تمایل به دخالت نظامی بیشتر در منطقه نیست، بلکه هدف آن نشان دادن عزم آمریکا برای دفاع از نیروهای این کشور در عراق است.

در همین زمینه، خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران به نقل از منابع شبه‌نظامیان شیعه گفته است، نیروهای آمریکایی اهدافی را بین ابوکمال و القائم در مرز سوریه و عراق را هدف قرار دادند. خبرگزاری فارس تعداد کشته‌ها را دو نفر اعلام کرده و گفته است که چند نفر نیز زخمی شده‌اند. هنوز مقام‌های جمهوری اسلامی ایران به این حمله آمریکا واکنش نشان نداده‌اند.

داریم. ما می‌دانیم (چه کسانی) را زده‌ایم.» وزیر دفاع آمریکا اضافه کرده است: «ما اطمینان داریم که مواضع هدف قرار گرفته شده از سوی همان گروه‌های شبه‌نظامیان شیعه که حملات (علیه آمریکایی‌ها در عراق) را انجام دادند، مورد استفاده قرار می‌گرفت.» لوید آستین همچنین تصریح کرده است که او پیشنهاد این حمله هوایی را به رییس‌جمهوری آمریکا ارائه کرده و جو بایدن صبح روز پنجشنبه این حمله را تأیید کرد. جان کری، سخن‌گوی وزارت دفاع آمریکا هم در بیانیه‌ای گفته است: «این عملیات این پیام صریح را ارسال می‌کند که رییس‌جمهور بایدن برای محافظت از پرسنل آمریکایی و ائتلاف دست به اقدام خواهد زد. در عین حال، ما به طور سنجیده عمل کرده‌ایم با این هدف که از وضعیت کلی در شرق سوریه و عراق تنش‌زادی کنیم.»

### ۲۲ شبه نظامی «کشته شدند»

جان کری در بیانیه خود اشاره‌ای به تلفات احتمالی حمله آمریکا به مواضع شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در سوریه نکرده است. اما ناظر حقوق بشر سوریه، مستقر در لندن، به نقل از منابع خود می‌گوید: در جریان حمله هوایی آمریکا به سه خودرو حامل مهمات از عراق به سوریه در نزدیکی

به گزارش رادیو فردا، پنتاگون می‌گوید، این حمله در پاسخ به حملات راکتی اخیر علیه محل استقرار نیروهای آمریکایی در اربیل عراق صورت گرفته است. در حملات شامگاه ۲۷ دلو، شلیک سه راکت به اطراف فرودگاه بین‌المللی اربیل در نزدیکی محل استقرار نیروهای آمریکایی در شمال عراق شلیک شد. در این حمله یک پیمانکار غیر نظامی کشته و یک نیروی نظامی آمریکایی نیز مجروح شد.

ستاد فرماندهی ارتش آمریکا، سنتکام، در توییت خود نوشته است: «به دستور رییس‌جمهور بایدن، نیروهای ارتش آمریکا اوایل عصر امروز حملات هوایی علیه زیر ساخت های مورد استفاده گروه های شبه نظامی مورد حمایت حکومت ایران در شرق سوریه انجام دادند.»

سنتکام اضافه کرده است: «این حملات در پاسخ به حملات اخیر علیه پرسنل آمریکا و ائتلاف در عراق و تهدیدهای مداوم علیه این پرسنل تصویب شد.»

در این بیانیه همچنین آمده است: «به طور مشخص این حملات باعث نابودی چندین تاسیسات واقع در یک نقطه کنترل مرزی شد که توسط تعدادی از گروه‌های شبه نظامی مورد حمایت حکومت ایران از جمله کتابت حزب الله و کتابت سیدالشهدا استفاده می‌شدند.»

لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا هم در این زمینه گفته است: «ما درباره کسانی که هدف قرار دادیم، اطمینان

اطلاعات روز: وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون پنج‌شنبه هفتم حوتماه اعلام کرد که ارتش این کشور مواضع شبه نظامیان مورد حمایت ایران را در شرق سوریه هدف قرار داده است.

ناظر حقوق بشر سوریه هم گفته است در این حمله ۲۲ شبه نظامی مورد حمایت ایران کشته شدند.



## قتل جمال خاشقچی:

### بایدن در گفت‌وگو با ملک سلمان موضوع حقوق بشر را پیش کشید



او، جرد کوشنر، که داماد آقای ترامپ هم هست در چهار سال گذشته روابط بسیار نزدیکی با محمد بن سلمان برقرار کرده بود.

اما آقای بایدن به محض ورود به کاخ سفید کمک‌های نظامی آمریکا به ائتلاف جنگ یمن که عربستان سرکردگی آن را دارد قطع کرد و همچنین قرارداد فروش تسلیحات به عربستان و امارات متحده را متوقف کرد.

چند روز پیش هم وقتی خبرنگاران از جن ساکی، سخن‌گوی دولت درباره روابط و مکالمات میان جو بایدن و محمد بن سلمان سوال کردند خانم ساکی گفت طرف صحبت و تماس جو بایدن ملک سلمان، پادشاه عربستان، خواهد بود و نه ولیعهد او.

محمد بن سلمان هر گونه دست داشتن یا آگاهی از قتل جمال خاشقچی را انکار می‌کند اما گزارش‌های نهادهای اطلاعاتی ترکیه و آمریکا نقش او در این قتل را غیرقابل انکار ارزیابی کرده‌اند.

یک گزارش جدید هم که این هفته منتشر شد نشان داد هواپیمای خصوصی که گروه آمران قتل جمال خاشقچی با استفاده از آن به استانبول سفر کرده بودند متعلق به شرکتی است که محمد بن سلمان همه کاره آن است.

با این حال خاندان سلطنتی آل سعود این قتل فجیع را کار «گروه خودسری» از یگان اطلاعاتی خود می‌داند و دادگاهی در این کشور هم ۵ نفر را در همین رابطه

اطلاعات روز: جو بایدن در گفت‌وگو با ملک سلمان درباره مسایل حقوق بشری در این کشور با پادشاه عربستان سعودی سخن گفته است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، روز پنجشنبه، ۲۵ فیوری، کاخ سفید اعلام کرد که در این گفت‌وگو تلفنی رییس‌جمهوری جدید آمریکا بر «اهمیت رعایت حقوق بشر و رعایت قانون» تاکید کرده است.

این تماس تلفنی پس از آن صورت گرفت که جو بایدن گفت گزارش نهادهای اطلاعاتی درباره نحوه قتل جمال خاشقچی را مطالعه کرده و این گزارش به زودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

این گزارش که انتظار می‌رود به زودی علنی شود احتمالا درباره نقش مستقیم محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در صدور فرمان قتل جمال خاشقچی اطلاعات محرمانه‌ای را فاش خواهد کرد.

جو بایدن که منتشر کردن این گزارش را در دوران کارزارهای انتخاباتی خود وعده داده بود، گفته بنا دارد روابط واشنگتن با ریاض را شکل و شمایی تازه ببخشد و بر خلاف دونالد ترامپ که از انتشار گزارش سیا درباره قتل جمال خاشقچی خودداری کرد، دستور داده مطابق قانون بخش‌های قابل انتشار آن هر چه زودتر علنی شود. دونالد ترامپ در جریان این قتل از موضع‌گیری تند و مستقیم علیه محمد بن سلمان پرهیز کرد و مشاور ارشد

آمده، جو بایدن به طور مستقیم نامی از جمال خاشقچی در این گفت‌وگو به میان نیاورده است: «پرزیدنت از آزادی چند فعال آمریکایی-سعودی از جمله لجین الهدلول (فعال حقوق زنان) استقبال کرده و به پادشاه عربستان در زمینه اهمیت نقش آمریکا در برجسته کردن مسایل جهانشمول حقوق بشری و برقراری قانون گفته است.»

لجین الهدلول چند روز پیش و پس از تحمل حدود ۳ سال زندان آزاد شد هرچند همچنان ممنوع الخروج و ممنوع المصاحبه است.

کاخ سفید گفته دو رهبر همچنین درباره «همکاری پابرجای میان آمریکا و عربستان سعودی» در مقابله با تهدید ریاض از سوی گروه‌های مورد حمایت ایران گفت‌وگو کردند.

«دو رهبر درباره ماهیت تاریخی روابط میان دو کشور سخن گفتند و موافقت کردند که به صورت دو جانبه درباره مشکلات و منافع دو طرف همکاری کنند.»

جمال خاشقچی روز دوم اکتبر سال ۲۰۱۸ به همراه نامزدش به کنسول‌گری عربستان سعودی در استانبول مراجعه کرده بود. نامزدش مقابل کنسول‌گری به انتظار او ایستاد اما او هرگز از کنسولگری خارج نشد. به گزارش مقامات ترکیه او ابتدا خفه شد و سپس جسدش را ۱۵ نفر در داخل کنسولگری عربستان قطعه قطعه و از آنجا خارج کردند. بقایای جسد او هرگز کشف نشد.

### جو بایدن دقیقاً چه گفته؟

آن طور که در بیانیه کاخ سفید از محتوای این مکالمه

عباس عارفی

کتاب مدیریت توحش (ادارة التوحش) نوشته‌ی ابی‌بکر ناجی، یکی از تئوریسین‌های القاعده، در واقع مانیفست خشونت‌ورزی گروه‌های جهادی از جمله دولت اسلامی داعش به حساب می‌رود. این اثر به‌عنوان جزوه‌ی درون‌سازمانی القاعده شاخه عراق در سال ۲۰۰۴، یعنی در آغازین روزهای پیوستن گروه جماعه‌التوحید و جهاد به رهبری ابومعصب الزرقاوی به شبکه القاعده، نوشته شده است. نویسنده مدیریت توحش برعلاوه توجیه اعمال خشن و خشونت‌ورزی‌های جهادگرایان اسلامی، در آن زمان برای آینده القاعده در عراق برنامه‌ریزی می‌کند. بنابراین تأمل بر این جزوه درون‌سازمانی القاعده از آن‌جا برای ما اهمیت دارد که اکنون گروه طالبان در افغانستان نیز در بسیاری موارد از آن الگو گرفته و طبق دستورات آن عمل می‌کنند.

در مبحث دوم مدیریت توحش، تحت عنوان «راه اقتدار» یا راه تمکین، مراحل برپایی حکومت یا دولت اسلامی را در گروه کشورهای اصلی که مقصد فعالیت القاعده عراق تعریف شده و بقیه کشورها مشخص می‌کند. نویسنده مدیریت توحش معتقد است که در گروه اصلی برای رسیدن به مرحله برپایی حکومت، جهادگرایان باید نخست مرحله «ایذاء و فرسایش» را سپری کنند، بعد از آن مرحله «مدیریت توحش»، بعد مرحله «اقتدار» و در نهایت «برپایی حکومت» (ص ۵۵). از نظر نویسنده جزوه اولین مثال مدیریت توحش در تاریخ‌نگاری اسلامی، آغاز دولت اسلامی در مدینه است. وی در تعریف منطقه توحش که در آن هنوز مدیریت توحش شکل نگرفته، افغانستان دوران جنگ‌های داخلی را مثال می‌آورد و می‌نویسد: «منطقه توحش قبل از وارد شدن تحت مدیریت توحش، در وضعیتی شبیه افغانستان قبل از سطره طالبان است، یعنی منطقه‌ای طبق قانون جنگل» (ص ۴۴). وی معتقد است که گروه طالبان با پایان دادن به جنگ‌های داخلی در افغانستان مدیریت توحش را شکل داد، اما با حملات نیروهای امریکایی و سقوط رژیم طالبان، افغانستان دوباره به مرحله ماقبل مدیریت توحش، یعنی مرحله ایذاء و فرسایش برگشته است.

به باور نویسنده مدیریت توحش، در مرحله ایذاء و فرسایش، جهادگرایان بایستی فعالیت‌های ذیل را انجام دهند:

اول: «خسته کردن، آزار رساندن و فرسوده ساختن نیروهای دشمن و نظام‌های مزدور و ایجاد فشار و از رمق انداختن آن‌ها در مناطق کشورهای اصلی و غیراصلی پیشنهاد شده توسط عملیات با حجم کم یا کم‌تأثیر...» (ص ۵۹). چرا که نویسنده به بازتاب خبری چنین رویدادها در رسانه‌ها و افکار عمومی و همچنان افزایش تصاعدی عملیات‌های با حجم کم در طولانی‌مدت اهمیت قائل می‌شود و آن را مؤثر می‌داند. همان شیوه‌ی گروه طالبان در سال‌های پسین و به‌خصوص در جریان گفت‌وگوهای صلح بین‌الافغانی در پیش گرفته‌اند؛ عملیات‌های هدفمند با حجم کم در پایتخت کشور از طریق ترور و جاسازی بمب‌های مقناطیسی و کنترلی که گاهی تعداد این عملیات‌ها تنها در شهر کابل به سه یا چهار مورد می‌رسد و حجم زیاد گفت‌وگو و تبصره خلق می‌کند. دوم: «جذب جوانان با هدف انجام عملیات جهادی در دوره‌های زمانی مناسب از نظر زمان‌بندی و توانایی اجرای عملیات نوعی و ضربتی تا توجه عموم را به خود جلب کند» (ص ۶۰). نویسنده در مرحله ایذاء و فرسایش، جهادگرایان را از اجرای عملیات‌های بزرگ در سطح حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، به نوعی منع می‌کند و

## مدیریت توحش در افغانستان

### آموزه‌های القاعده و عملکردهای طالبان



و سپس تمرکز و کار روی مدیریت توحشی که در آن پدید خواهد آمد.» (ص ۶۱) منظور و هدف نویسنده از این مرحله این است که جهادگرایان مناطق به‌خصوص و گزینش‌شده را از زیر کنترل دولت‌های مستقر خارج کنند، اما نه به هدف ایجاد هرج‌ومرج، بلکه به هدف ایجاد مدیریت توحش. البته نویسنده به نوعی اشاره می‌کند که جهادگرایان باید مناطق خاص را سقوط دهند و در آنجا مدیریت توحش را روی کار بیاورند که پس از امکان بازپس‌گیری توسط دولت نباشد. گروه طالبان هرازچندی بر مراکز برخی ولایت‌ها حملات گسترده انجام داده، هر بار ناکام شده و شکست خورده‌اند. درحالی‌که فعالیت‌های عمده‌شان را بر مناطق روستایی و دوردست متمرکز کرده‌اند که امکان بازپس‌گیری آن مناطق کم است و در آنجا مدیریت توحش یا نظام طالبانی را روی کار آورده‌اند. در مرحله چهارم ایذاء و فرسایش، به آموزش گروه‌های جهادگرا برای آمادگی روانی و عملی برای مرحله مدیریت توحش اشاره می‌کند.

این جزوه اگرچند که بخشی از پروپاگندای القاعده عراق است، اما تأثیر آن بر جریان‌های جهادگرا از جمله گروه داعش بسیار زیاد بوده است. وی در رابطه به جهاد می‌نویسد: «آن‌که قبلاً جهاد کرده می‌داند که جهاد چیزی جز شدت عمل نشان دادن، ترور، آوارگی و زخم کاری وارد کردن نیست» (ص ۹۰). وی در توجیه اعمال خشونت‌های نمادین از جمله آدم‌سوزی که بعدها دولت اسلامی داعش آن را یکی از شیوه‌های اصلی خشونت‌ورزی خود قرار داد، می‌نویسد: «حتا ابوبکر صدیق و علی بن ابی‌طالب مجازات سوزاندن با آتش را به‌رغم کراهت موجود در آن به کار برده‌اند» (ص ۹۲). نویسنده مدیریت توحش در بخشی برای تأیید ادعایش به‌شدت عمل ابوبکر صدیق در جنگ اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ابوبکر صدیق مردی به نام ایاس بن عبدالله بن عبد یا لیل ملقب به فجاء را سوزاند، هنگامی که جمع‌آوری اموال برای جهاد با مرتدین فریبش داد و به آن‌ها ملحق شد» (ص ۹۴). همان‌طوری‌که گروه طالبان نیز در جریان امسال نیروهای خیزش مردمی را در

ولسوالی قره‌باغ غزنی سوزاندند. با توجه به روند بی‌جان مذاکرات صلح در دوحه و شدت جنگ در داخل افغانستان، طالبان با نیرنگ و فریب در تلاش بیرون ساختن نیروهای خارجی از افغانستان هستند تا پس از خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان، به این وضعیت هرج‌ومرج پایان داده و اداره توحش را دوباره روی کار بیاورند و قدرت را به دست بگیرند. همان‌طوری‌که با نیرنگ و فریب در جریان جنگ‌های داخلی، حکومت برهان‌الدین ربانی را فریب دادند. چنان‌که حفیظ منصور، یکی از اعضای برجسته حزب جمعیت در یک نشست غیررسمی قصه می‌کرد، در آن زمان گروه طالبان به حکومت ربانی احمدشاه مسعود اطمینان داده بودند که تنها با حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار تصفیه حساب می‌کنند، به همین دلیل طیاره‌های حکومت ربانی به حمایت از گروه طالبان مواضع حزب اسلامی را بمباران کردند تا طالبان بر نیروهای حزب اسلامی چیره شوند. پس از این‌که طالبان پشت دروازه‌های کابل رسیدند، گفتند کابل را هم می‌خواهند. حالا هم همان بازی در حال تکرار است؛ با این تفاوت که طرف اصلی طالبان این‌بار امریکایی‌ها است. در صورتی که نیروهای امریکایی از افغانستان خارج شوند و حکومت فعلی حمایت امریکا و ناتو را از دست بدهد، بعید است که طالبان متعهد به روند صلح باقی بمانند؛ همان‌طوری‌که اکنون جنگ را بر صلح ترجیح می‌دهند.

شد که این امر منجر به سوق و گسیل نیروهای نظامی بیشتر از آنچه در زمان‌های عادی لازم است، خواهد شد و افزایش هزینه را در پی خواهد داشت. دقیقاً همان استراتژی جنگی که گروه‌های تروریستی از جمله گروه طالبان در افغانستان از آن استفاده می‌کنند. به‌طور مثال حملات انفجاری بر مساجد و مکان‌های آموزشی و ورزشی که در نهایت باعث می‌شود حکومت نیروهای نظامی و امکانات بیشتر را برای تأمین امنیت این مکان‌های که تعداد آن‌ها بر حسب نیاز جامعه کم هم نیست، تدارک ببیند. انفجار بمب‌های مقناطیسی که این روزها در شهر کابل بیشتر از گذشته افزایش یافته، نیز در با همین استراتژی نظامی گروه طالبان قابل فهم است. البته این استراتژی نظامی به نوعی کاپی همان استراتژی «قتل با هزار زخم» است که سازمان استخبارات پاکستان آن را در جریان جنگ مجاهدین با نیروهای شوروی سابق در افغانستان طراحی کرده بودند. عنصر دیگری که نویسنده به آن تأکید می‌کند، جذب و استفاده از جوانان برای انجام عملیات‌های جهادی است. طوری‌که بیشترین نیروهای نظامی گروه طالبان را جوانان از مناطق روستایی شکل می‌دهند که علاقه‌ی خاص به قاری و ملاشدن دارند. سوم: «خارج کردن مناطق گزینش‌شده که تصمیم بر تحرک هدفمند در آن گرفته شده از سطره نظام‌ها،

استدلال ابی‌بکر ناجی در مورد انجام عملیات‌های کوچک و متوسط این است که اگر یک منطقه‌ی تفریحی و گردشگری مثل جزیره بالی عملیات انفجاری انجام دهند، در آن‌صورت در تمام مناطق تفریحی و گردشگری جهان تدابیر شدید امنیتی اتخاذ خواهد شد که این امر منجر به سوق و گسیل نیروهای نظامی بیشتر از آنچه در زمان‌های عادی لازم است، خواهد شد و افزایش هزینه را در پی خواهد داشت.

می‌نویسد: «مقصودم عملیات ضربتی همچون عملیات ۱۱ سپتامبر نیست که اندیشیدن در مورد آن ما را از انجام عملیات با حجم کوچک و متوسط بازمی‌دارد» (همان ص). وی در عوض عملیات‌های بزرگ، جهادگرایان را به انجام عملیات‌های کوچک و متوسط توصیه می‌کند. مثال وی از عملیات‌های کوچک و متوسط بر علیه منافع و امنیت امریکا، حملات انفجاری است که در سال ۲۰۰۲، در جزیره‌ی تفریحی بالی در کشور اندونزی انجام دادند. استدلال ابی‌بکر ناجی در مورد انجام عملیات‌های کوچک و متوسط این است که اگر یک منطقه‌ی تفریحی و گردشگری مثل جزیره بالی عملیات انفجاری انجام دهند، در آن‌صورت در تمام مناطق تفریحی و گردشگری جهان تدابیر شدید امنیتی اتخاذ خواهد

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی	zaki.daryabi2@gmail.com
سرمدبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی	۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
سرمدبیر آنلاین: الیاس نواندیش	
گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی	
مترجم: جلیل پژواک	
ویراستار: شیر مهربار	
صفحه آرا: رضا مظفری	
ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا	شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com	mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته‌سه	شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۵۱۸۷
	توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

## بانکداری انترنیتی عزیزی بانک

با استفاده از بانکداری انترنیتی عزیزی بانک بخش وسیعی از معاملات مالی تان را از خانه و یا محل کار تان، با خاطر آسوده و راحت، انجام دهید.

عزیزی بانک افکار دارد که ضمن خدمات بانکداری انترنیتی انفرادی، نمونه شرکتهای را نیز با ویژگیهای وسیعی قبل برای مشتریان گرامی خویش پیشنهاد میکند:

- انجام معاملات جمعی در حسابات بانکی عزیزی بانک در یک وقت
- تایید معاملات توسط چندین صلاحیتدار حساب به شکل سلسله مراتب
- تایید معاملات گروهی توسط هر یک از صلاحیتدار حساب



عزیزی بانک  
Azizi Bank

جنگجویان اویغور نگرانی مشترک افغانستان و چین است. این جنگجویان در بخشهای از ولایت بدخشان در شمال شرق کشور حضور دارند و بر بنیاد گفتههای مقامهای محلی این ولایت، پایگاه مستحکم این جنگجویان در منطقه موسوم به «خستک» در ولسوالی جرم است. یک نماینده مردم بدخشان در پارلمان هشدار می‌دهد که بی‌پروایی در راستای مهار تهدید جنگجویان اویغور، باعث قدرت‌مند شدن بیشتر گروه‌های تروریستی و طالبان خواهد شد؛ چرا که این جنگجویان افزون برداشتن منابع مالی زیاد، از قدرت رزمی بلندی برخوردار هستند.

## جنگجویان اویغور در بدخشان زیر چتر طالبان

خشن، تا دندان مسلح و در تلاش سربازگیری از ساکنان محل



جدایی یا کسب خودمختاری بیشتری. این امر باعث شده است که دولت چین اقدامات شدیدی را علیه جدایی طلبان سین کیانگ روی دست بگیرد.

### اویغورها تهدید جدی برای چین یا افغانستان؟

ولایت بدخشان در شمال شرق کشور با کشورهای پاکستان، چین و تاجیکستان مرز مشترک دارد و مجاورت با چین زمینه برای حضور جنگجویان اویغور را فراهم کرده است. برخی از اعضای پارلمان این جنگجویان را تهدید جدی برای امنیت افغانستان می‌دانند. مولوی ذبیح‌الله عتیق، نماینده بدخشان در پارلمان مدعی است که بیش از شش سال می‌شود که حضور جنگجویان اویغور افزایش یافته است و این گروه نه تنها که تهدیدی برای منافع افغانستان است، بلکه برای کشورهای منطقه هم تهدید شمرده می‌شود.

او می‌گوید که هم اکنون در حدود ۳۶۰ تن از جنگجویان اویغور به رهبری قاری فرقان در بدخشان فعالیت دارند و برخی از این جنگجویان خانواده‌هایشان را نیز به این ولایت آورده‌اند.

این عضو پارلمان بارها تهدیدات فزاینده امنیتی اویغورها را با حکومت مرکزی در میان گذاشته است، اما می‌گوید که هیچ کاری برای از میان برداشتن تهدیدات این جنگجویان صورت نگرفته است: «با رییس عمومی امنیت ملی کشور در مورد تهدیدات اویغورها صحبت می‌کنم و امیدوار هستم که حکومت در مقابل تهدیدات اویغورها بیشتر از این بی‌پروا نباشد.» این در حالی است که هندوستان تایمز در پنجم ماه جدی از بازداشت ۱۰ جاسوس چینی در افغانستان خبر داده بود. در گزارش

اجازه نمی‌دهیم که از خاک و اخان استفاده کنند.» او می‌گوید که اویغورها با پیشرفته‌ترین تجهیزات جنگی مجهز هستند و به همین خاطر قدرت‌شان روز به روز در بدخشان افزایش می‌یابد: «اویغورها سلاح‌های پیشرفته دارند و ما سلاح آن‌ها را نمی‌شناسیم.»

### نگرانی مشترک چین و افغانستان

جنگجویان اویغور نگرانی مشترک افغانستان و چین است. این جنگجویان در بخش‌های از ولایت بدخشان در شمال شرق کشور حضور دارند و بر بنیاد گفته‌های مقام‌های محلی این ولایت، پایگاه مستحکم این جنگجویان در منطقه موسوم به «خستک» در ولسوالی جرم است. یک نماینده مردم بدخشان در پارلمان هشدار می‌دهد که بی‌پروایی در راستای مهار تهدید جنگجویان اویغور، باعث قدرت‌مند شدن بیشتر گروه‌های تروریستی و طالبان خواهد شد؛ چرا که این جنگجویان افزون بر داشتن منابع مالی زیاد، از قدرت رزمی بلندی برخوردار هستند.

جنگجویان اویغور که با نام «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» فعالیت دارند، در چین مخالف سیاست‌های دولت پکن می‌باشد و در منطقه سین کیانگ در همسایگی افغانستان زندگی می‌کنند. چین محدودیت‌های شدیدی را برای اویغورها وضع کرده است.

جنبش اسلامی ترکستان شرقی در سال ۱۹۳۳ تأسیس شد. این جنبش برای کسب استقلال و تشکیل دولت مستقل در جامعه اویغورها و دیگر اقوام ترک‌تبار ساکن در ترکستان جنگ می‌کند. اویغورها مدعی‌اند که به صورت فزاینده‌ای از سوی حکومت چین تحت فشار هستند. اویغورها حکومت چین را «قدرت استعماری» می‌خوانند و خواهان

### واجد روحانی

جنگجویان بدخشان حضور دارند که نه از افغانستان‌اند و نه زبان مردم محل را می‌فهمند: اویغورها. منابع می‌گویند جنگجویان اویغور در بدخشان زیر چتر طالبان سال‌هاست که فعالیت می‌کنند. شماری از ساکنان محلی در بدخشان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گویند هر روز حضور این جنگجویان در مناطق مسکونی در حال افزایش است و مردم را نگران کرده است.

جمعه‌خان آمو، ساکن بدخشان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که جنگجویان اویغور از چین به پاکستان و از آنجا به افغانستان سفر می‌کنند تا آموزش‌های نظامی فرا بگیرند و حتا در تلاش سربازگیری از میان افغان‌ها هستند: «اویغورها در بدخشان زیاد هستند، حتا چندین مرتبه از ما خواسته‌اند که با آنان همکاری کنیم، اما ما این درخواست را نپذیرفتیم.»

او مدعی است که نیروهای دولتی در ولسوالی‌ها بدخشان بسیار کم هستند و به همین دلیل حضور جنگجویان خارجی در بدخشان افزایش چشم‌گیری یافته است: «اویغورها چین از طریق بندر توپ‌خانه بین کران و منجان و زیساک وارد بدخشان می‌شوند. آنان تلاش می‌کنند که از طریق واخان به چین راه ارتباطی ایجاد کنند، اما ما اجازه نمی‌دهیم که از واخان عبور کنند.»

عبدالحمید دل‌جو، یکی از ساکنان بدخشان از تلاش بی‌وقفه جنگجویان اویغور برای متقاعد کردن آنان برای همکاری ابراز نگرانی می‌کند: «چند نفر مشکوک به جنگجویان اویغور را ما در ولسوالی واخان دستگیر کردیم و به حکومت سپردیم و هیچ‌گاهی به اویغورها

این روزنامه آمده است که نیروهای امنیت ملی افغانستان یک گروه ده نفری از جاسوسان چینی را در کابل بازداشت کرده‌اند. احمدضیا سراج، رییس امنیت ملی کشور به تاریخ ۱۷ ماه جدی بازداشت یک شبکه از شهروندان چین را تأیید کرده بود، اما در مجلس نمایندگان گفته بود که به دلیل حساسیت موضوع نمی‌تواند، جزئیات بیشتری در مورد بازداشت‌شدگان ارائه کند.

### آموزش طالبان

ساکنان بدخشان روایت می‌کنند که جنگجویان اویغور در کنار فعالیت نظامی و جنگ، برای طالبان آموزش جنگ نیز می‌دهد و با افزایش حضور اویغورها گروه طالبان روز به روز قدرت‌مند شده است.

مولوی ذبیح‌الله عتیق، نماینده بدخشان در پارلمان می‌گوید که جنگجویان اویغور با امکانات گسترده مالی و تجهیزاتی، طالبان را آموزش می‌دهند و تداوم این روند در سایه بی‌پروایی حکومت باعث گسترش جنگ و ناامنی در بدخشان خواهد شد: «جنگجویان اویغور در جنگ‌های بدخشان سهم دارند. باید هرچه زودتر راه‌های اکمالاتی اویغورها در بدخشان مسدود شود تا طالبان بیشتر از این آموزش نیندند.»

مقام‌های محلی بدخشان به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که جنگجویان اویغور در عملیات‌های نظامی با طالبان هماهنگ هستند و زیر چتر طالبان فعالیت می‌کنند. اوایل سال جاری عملیات نظامی به هدف سرکوب گروه طالبان و جنگجویان خارجی در ولسوالی‌های وروچ، یمگان و کران‌ومنجان ولایت بدخشان راه‌اندازی شد. مقام‌های محلی بدخشان می‌گویند که این سه ولسوالی از کنترل طالبان خارج شد، اما با گذشت بیش از ۵۰ روز ولسوالی یمگان دوباره به دست مخالفان مسلح دولت سقوط کرد.

این مقام‌ها می‌افزایند که در این عملیات‌ها بیش از ۴۰۰ جنگجوی داخلی و خارجی به‌شمول اویغورها کشته و زخمی شده‌اند. نیک‌محمد نظری، سخن‌گوی والی بدخشان در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز از جنگجویان اویغور به‌عنوان تروریست‌های خارجی که تهدیدی برای بدخشان هستند، نام می‌برد: «جنگجویان اویغور در چوکات طالبان و شبکه القاعده فعالیت دارند.»

نمایندگان بدخشان در پارلمان مدعی‌اند که جنگجویان اویغور افزون بر مجهز بودن با

تجهیزات پیشرفته نظامی، از امکانات مالی زیادی نیاز برخوردارند و به همین دلیل سربازگیری برای آنان تسهیل شده است. مقام‌های محلی بدخشان تأیید می‌کنند که جنگجویان اویغور در دره «خستک» ولسوالی جرم پایگاه دارند و از این پایگاه عملیات‌هایشان را راه‌اندازی می‌کنند.

نیک‌محمد نظری، سخن‌گوی والی بدخشان می‌گوید که احتمالاً حضور جنگجویان خارجی به دلیل هم‌مرز بودن به کشورهای چین، پاکستان و تاجیکستان، موجودیت معادن و صعوبت‌عبور بودن جغرافیا بستگی دارد: «کوهستانی بودن بدخشان و دشوارگذر بودن مسیرهای ارتباطی این ولایت، ممکن باعث علاقه‌مندی تروریستان خارجی شده باشد، اما ما با تمام قوت برای مقابله با تهدیدهای امنیتی تلاش می‌کنیم.»

یک نماینده مردم بدخشان در پارلمان از حکومت می‌خواهد که عملیات پاک‌سازی در مناطق ناامن به‌ویژه در منطقه موسوم به «خستک» در ولسوالی جرم راه‌اندازی کند، تا پایگاه مستحکم جنگجویان اویغور در بدخشان منهدم شود.

مولوی ذبیح‌الله عتیق، عضو پارلمان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز هشدار می‌دهد که اگر عملیات گسترده پاک‌سازی در بدخشان راه‌اندازی نشود، جنگجویان بیشتر خارجی به این ولایت جای پای پیدا می‌کنند و مهار حملات این جنگجویان برای حکومت دشوار خواهد بود: «روز به روز شمار جنگجویان اویغور در بدخشان افزوده می‌شود و حکومت هم فقط فعالیت تروریست‌های اویغور را نگاه می‌کند.»

### اویغورها زیر چتر طالبان

مقام‌ها در وزارت دفاع ملی از تداوم عملیات برای رفع تهدیدات بلند امنیتی در ولایت بدخشان خبر می‌دهد.

فواد امان، معاون سخن‌گوی این وزارت به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که طی دو هفته اخیر تلفات سنگین به گروه طالبان وارد شده است و در میان کشته‌شدگان «تروریست‌های خارجی» به‌شمول اویغور ها شامل هستند. او تأکید می‌کند که گروه طالبان زمینه فعالیت «تروریست‌های خارجی» را در ولایت بدخشان فراهم ساخته‌اند: «ما نگرانی مردم و نمایندگان پارلمان را در مورد تهدیدات اویغورها جدی می‌گیریم. وزارت دفاع ملی از تمام امکانات و ظرفیت‌های موجود برای تأمین امنیت و مبارزه با هراس‌افکنی استفاده خواهد کرد.»



## فروش ویژه

شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت پایه ویژه کودکان و نوجوانان

انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و نوجوانان

فروشگاه مرکزی: کارن، کارن ۴، چهارراه بل سبز، مارکت تجاری ملی، مجتمع کتابستان منزل اول، انتشارات و فروشگاه کودکان  
☎ ۷۸۹۹۳۳۳ - ۷۸۹۹۳۳۵ - ۷۸۹۹۳۳۶ - ۷۸۹۹۳۳۷ - ۷۸۹۹۳۳۸

ادرس نمایندگی های ولایات

- نمایندگی ۱ مزار شریف: جاده زینت‌الوجه، مانا، ابراهیم، نزدیک مقریه، سلفیانه، بوستان فرهنگی ابق فریا ۷۸۸۱۸۱۰۰۰۱ - ۷۸۸۱۸۱۸۹۹
- نمایندگی ۲ مزار شریف: نمایشگاه بین‌المللی دامپنر کتاب سعادت، مقابل کتابفروشی بهتری ۷۷۹۹۰۰۹۲۹
- نمایندگی ۳ هرات: جریبل، چهارده منری بالا، رومی، سوز کولا، کتابسرای جعفری ۷۸۸۷۸۷۷۷۱ - ۷۸۸۷۸۷۸۱۲
- نمایندگی ۴ هرات: چوک کله، حد کتابخانه عامه، انتشارات فرهنگی ۷۸۸۷۷۷۷۷۱ - ۷۸۸۷۷۷۷۷۸
- نمایندگی ۵ مینان: بازار مینان، جوار مارکت سبزی و میوه فرهنگی، کتابفروشی معرفت ۷۸۸۷۷۷۷۷۱ - ۷۸۸۷۷۷۷۷۲